

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۳
دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ ریال

شیوه‌های عمل امپریالیسم امریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران

مقاله‌ای که ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران در مجله سیاست خارجی چاپ واشنگتن در مورد نحوه‌های برخورد مقامات مسئول دستگاه دولتی آمریکا با انقلاب ایران منتشر ساخته (و ما برخی از قطعات آنرا در شماره‌های ۳۲۹ و ۳۳۱ نامه «مردم» آورده‌ایم) بویژه از این لحاظ جالب است که بنحوی بارز نشان میدهد دستگاه دولتی آمریکا در مقابله با انقلاب ایران دو شیوه عمل را برای رسیدن بیک هدف، موازی با یکدیگر و در

تلفیق با یکدیگر بکار برده است. یکی شیوه «گام به گام» شیوه «خزنده» و شیوه «سازش» شیوه حفظ دستگاه دولتی و بویژه ارتش «شاهنشاهی» و انتقال این دستگاه به زمامداران جدیدی که حاضر به تپیدن انقلاب از محتوی ضدامپریالیستی و خلقی بودند، یعنی مخالفتی اصولی و بنیادی با روابط امپریالیسم با امپریالیسم بر سر کردگر امپریالیسم امریکانه داشتند و حداکثر خواست آنها در چارچوب مشروطیت بدون شاه، یعنی حفظ رژیم پهلوی

شاه محدود میشد و دیگری شیوه اعمال قهر، سرکوب خونین انقلاب، کودتای نظامی که حاصل آن می-بایستی بهمان نتیجه حفظ رژیم وابسته و زیر سلطه، یا شاه یا بدون شاه، منجر شود. سولیوان در مقاله خود سعی می-کند خود را و شیوه عمل خود را در مقابل شیوه عمل برژینسکی قرار دهد و این دو شیوه عمل را مخالف با یکدیگر جلوه دهد. ولی اندک دقتی در نوشته سولیوان نشان میدهد که این دو شیوه عمل اولاً دارای هدف واحدی بوده‌اند و

ثانیاً «خط سولیوان» و «خط برژینسکی» گام برهم منطبق و گام بادر نظر گرفتن اوضاع انقلابی ایران موازی با یکدیگر تدارک میبخشد است، تا هر یک از آنها به که قابل اجرا باشد، اعمال گردد. سولیوان مینویسد: «برژینسکی... قبلاً (قبل از اینکه شاه ایران را ترک کند) ژنرال رابرت هاینر، معاون فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا را در اروپا - که سابقاً نیز معاون ژنرال الکساندر فیک، فرمانده عالی پیمان ناتو را در اروپا، بپیامده داشت - به تهران

فرستاده بود. مأموریت هاینر، طبق برگ مأموریتی که باور داده بودند، این بود که برای حفظ یکپارچگی نیروهای مسلح ایران و انتقال وفاداری آنها از شاه به اختیار اقدام کند.

و نیز مینویسد: «من «بوسیله» یک رشته اقدامات کوشیدم زمینه را طوری فراهم سازم که برخی از رهبران جنبه‌ای تر و بحث‌ناگیز تر نیروهای مسلح ایران تصفیه و پاکسازی و به نحوی مورد تأیید دولت احتمالی مهدی یازدگان واقع شود... میان سران نیروهای مسلح و رهبران (سازشکار) انقلاب، قراردادی مفصل و دقیق گذاشته شد. بنا شد که برخی از افسران بلندمرتبه، همراه شاه، ایران را ترک کنند و بقیه نظامیان بگونه‌ای وفاداری خود را تغییر دهند که تمامیت ارتش حفظ شود...»

بدینسان در اینجا خط سولیوان و «خط برژینسکی» چنانکه میبینیم، حفظ تمامیت ارتش است. تفاوت فقط در این است که برژینسکی امیدوار بوده است که بتواند بختیارا بر کرسی قدرت نشاند (برای من (سولیوان) هم دستور رسید و گفته شد که دولت آمریکا بدون تردید از دولت بختیار پشتیبانی و برای ابقاء آن کوشش خواهد کرد)، ولی سولیوان بر آن بوده است که «بقای دولت بختیار یک خیال‌واهی است و باید زمینه انتقال ارتش را به دولت احتمالی مهدی یازدگان فراهم ساخت. هدف در این مرحله حفظ ارتش است تا بوسیله این ارتش بتوان در صورت لزوم کودتا کرد و انقلاب را در خون خفه کرد و یا بگونه‌ای موثر کنترل اوضاع را بدست گرفته و در صورتی که این کنترل اوضاع خواست از دست برود باز بوسیله همین ارتش، کودتا کرد.

بدینسان ضمن کوشش برای عقب کردن انقلاب ایران، اقدام به کودتا همیشه در دستور روز است. «خط برژینسکی» و «خط سولیوان» با یکدیگر تعلق می-کنند و این دو خط را مرکز واحدی (کاخ سفید و سیا) به عنوان شیوه‌های عمل که میتوانند جای یکدیگر را بر حسب اوضاع بگیرند، اداره مینمایند. آنگاه که بر اثر قاطعیت انقلابی امام خمینی، مهره بختیار بر اثر می‌شود و انتقال قدرت حاکم از جبهه ارتش بیکارچه با نامسکن میگردد، برژینسکی بوسیله هاینر در صدد کودتای میامیدولی برخلاف هاینر که عقیده داشته «در صورت برخورد ارتش با انقلابیون، بیروزی یا ارتش خواهد بود» سولیوان بر آن بود «که اگر به تنظیم دستور آتش کشیدن بیروی مردم داده شود، ارتش از هم میپاشد. در نتیجه اسلحه نظامیان بدست مردم خواهد افتاد و دولت یازدگان، هنگامیکه سرکار آید، نخواهد توانست سرعت و بگونه‌ای موثر کنترل اوضاع را بدست گیرد. بعبارت دیگر سولیوان عقیده داشته است که موقع کودتا نیست و میتوان، نه بوسیله دولت بختیار، بلکه بوسیله دولت یازدگان انقلاب ایران را عقیم کرد و در عین حال ارتش را یک-پارچه بماند ضامن و حافظ مصالح آمریکا حفظ کرد.

بقیه در صفحه ۸

پیشنهاد ما برای خلع سلاح ضد انقلاب در کردستان

خود آنها را بوجود آورد. بپای نیروهای انقلابی و مدافعان صدیق جمهوری اسلامی ایران بنویسد و افرادی هم در دام این دروغ افتاده گرفتار دسیسه‌های ستون پنجم آمریکا می‌شوند. ستون پنجم آمریکا شایعه پخش میکند که حزب دمکرات «شاخته نظامی» حزب توده ایران است و افرادی این دروغ شایعه را علم می‌کنند. ستون پنجم آمریکا شایعه پخش میکند که «دوسپاه» برای «کردها» اسلحه می‌فرستند و کسانی بدون تأمل این اقرا را تکرار میکنند.

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مملکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بپشم خود دیده‌اند. ولی با وجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا میکوشد حوادث کردستان را - که

بقیه در صفحه ۸

* تدوین طرح یا قانونی در زمینه تأمین و اجرای خواسته‌های مشروع خلق کرد

* رهائی از دام گستری عمال آمریکا برای نجات کردستان از بحران و جهنم سوزان جنگ

در صفحات بعد

لولو خور خورهای که بنام کمونیسم درست کرده‌اند

چهره‌های گوناگون پاکسازی

و حلدت دو کشور سوریه و لیبی بر پایه مواضع ضد امپریالیستی و پایداری در برابر سیاست تجاوز کارانه اسرائیل

کودتای نظامی آمریکائی در ترکیه و خطرات ناشی از آن برای انقلاب ایران

گزارشی از وضع کارگران سبزی فروش دوره گرد

گزارشی از وضع روستائیان کهرک واقع در بین جاده شیراز - خرامه

تسلیت

ضایحه اسفاکتیز در گذشت فرزند حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی را به ایشان و خانواده محترم شبستری صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

امریکا برای «پیشبرد مقاصد سیاسی خود» طی ۳۰ سال، ۲۱۵ بار به اعمال قهر متوسل شده است

صفحه ۲

خط برژینسکی

برژینسکی: «... پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی، حتماً به تصفیه مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. (از نامه برژینسکی، سند افشا شده توسط آقای بنی‌صدر رئیس جمهور)»

راديو اویسی (یا خوشحالی): «روابط سیاسی میان ایران و شوروی روز بروز قهرتر میشود. (از برنامه مورخ ۲۰ شهریور)»

قطب زاده: «روابط ایران و شوروی محدود خواهد شد. (از مساحبه اخیر باخبرگزاری فرانسه)»

خط مدافع انقلاب ایران

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: «من از به تیرگی گفتار روابط (ایران و شوروی) چیزی نمی‌بینم. روابط همان بوده که هست. (از مساحبه مطبوعاتی در مجلس، ۲۰ مرداد ۵۹)»

راديو مسکو: «اتحاد شوروی از نخستین روزهای انقلاب اسلامی در ایران، از این انقلاب پشتیبانی کرده و می‌کند. اتحاد شوروی دسیسه‌های دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیستها و صیونیستها را فاش می-سازد. کشور شوروی، صرف نظر از اینکه چه موافق در راه حسن همجواری شوروی و ایران بوجود آید، همیشه این سیاست را در مورد ایران دنبال خواهد کرد. (به نقل از کیهان، ۲۳ مرداد ۵۹)»

راديو مسکو: «وی (قطب زاده) محدود شدن مناسبات شوروی و ایران را یترستی میکند چرا؟ بخاطر تیل به چه هدفی؟ اتحاد شوروی و ایران هماینگان نزدیک هستند. این وضع امکاناتی برای برقراری همکاری بسیار تمربخش و متقابلاً سودمند فراهم میکند. مابین ایران و شوروی هیچگونه مسائل مورد اختلافی ارضی و اقتصادی و سیاسی وجود ندارد. اتحاد شوروی در موضع عدم مداخله کامل در امور ایران و رعایت دقیق حاکمیت کشور شملت. این روش بنحوی کامل در جریان انقلاب اسلامی در ایران متجلی شد. در آزمون اتحاد شوروی نه تنها تأیید کرد که حق ملت ایران را برای تعیین مستقل سرنوشته خود کاملاً محترم بشمارد، بلکه همچنین درخواست نمود که دیگر کشورها هم این حق را محترم بشمارند. لئونید برزف رهبر شوروی بازم طی بیانات خود در آلمان، روش اتحاد شوروی را تأیید کرد و اظهار داشت: ما کاملاً از این اصل بیروزی می‌گوئیم، که تنها خود ملت ایران می‌تواند تعیین کند، که از چه راه باید پیش برود، چنین است سیاست روشن اتحاد شوروی در مورد ایران. (از برنامه مورخ ۱۹ اردیبهشت ۵۹)»

ستون پنجم امپریالیسم آمریکا در ایران، برای گمراه ساختن افکار عمومی و آماده کردن زمینه برای انواع توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، طبق برنامه خاصی عمل میکند. یکی از بخشهای بسیار مهم و موثر این برنامه، قلب و اقیانوس رواج گونه جلوه دادن مسائل و علل و معلولات دیدن- وسیله مختل ساختن منظره کلی اوضاع سیاسی ایران است. طبیعی است که مقامات مسئول و تصمیم گیرنده و محافل سیاسی و اجتماعی و غیره اگر این دام گسترده ستون پنجم امپریالیسم را بیرون نشینند، در آن خواهند افتاد و عواقب آن نیز روشن است.

یکی از نمونه‌های دام گستری ستون پنجم امپریالیسم آمریکا در بحران کردستان بیروشنی مشاهده می‌کنیم. امپریالیسم و عمال آشکار و نهان و از نخستین روزهای بیروزی انقلاب در ایران، چنین رهائی بخش خلق کرد را بسوی گمراهی سوق داده و بخشی از آنرا بوضع مقابله سیاسی و مخصوصاً نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران کشانند. ما شاهد خرابکاریها و توطئه‌ها و مفسده‌های عمال امپریالیسم در مسئله کردستان بوده و هستیم. از آنجمله‌اند: فجاجع سندج و نرده و پاوه و قازنا و قلاتان، دادن گزارشهای دروغ و تحریک آمیز درباره کردستان، تحریم همه پرسری جمهوری اسلامی ایران و تحریم دیگر همه پرسریها و انتخاباتها برای ایجاد نهاد های جمهوری اسلامی ایران، تحریک مردم به مقابله مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران، تبدیل کردستان به کثام انواع گروههای ضد انقلابی از قبیل کومله و شرکاء، تشویق به ایجاد «جبهه مقاومت خلق» علیه خط خلقی و ضد امپریالیستی امام خمینی، ایجاد داخل در راه حل مسالمت آمیز مسئله کردستان که بازرترین نمونه آن علم کردن طرح ۲۶ ماده‌ای هیئت نمایندگان خلق کرد در برابر پیام تاریخی امام خمینی و تخریب و کارشکنی در مذاکرات کردستان و غیره و غیره بود این واقعیتها را که جز نتیجه

کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی ایران طی نامه‌ای که در جلسه دیروز مجلس قرائت شد درخواست کرد مجلس در یک جلسه علنی مسئله گروگانهای جاسوس آمریکایی را بررسی و درباره سرنویشت آنها تصمیم بگیرد. در این جلسه همچنین تصویب شد که پاسخ مجلس ایران به نامه نمایندگان کنگره آمریکا با در نظر گرفتن نظریات نمایندگان که در جلسه دیروز پیرامون آن سخن گفتند، در کمیسیون خارجی مجلس تصویب و ارسال شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس وحدت سوریه و لیبی را تبریک گفت و مجلس، تسکوت گذاردن نامه دعوت رئیس‌جمهور به مجلس را تصویب کرد.

در جلسه دیروز نظریه کمیسیون خارجی مجلس در مورد مسئله جاسوسان آمریکایی به شرح زیر قرائت شد:

انقلاب اسلامی ایران گشاینده راهی نو در تاریخ بشر است که بخواست خداوند به پیروزی نهایی مستضعفین بر مستکبرین منتهی خواهد شد. در این بیان، امریکای جهانخواه میخواند شیطان بزرگ و سلیبر استکبار جهانی بزرگترین دشمن استقلال و عظمت ما و همه مستضعفین جهان است. اشغال لانه جاسوسی آمریکا که در واقع مرکز اصلی حکومت بر سرنویشت ملت مسلمان ایران، پایگاه تجاوز آمریکا در منطقه پشمار می‌رود، در این رابطه است که معنا و مفهوم اصلی خود را باز می‌یابد. در دنیای سرسام‌زده کونی که سودمندان همه روابط و مقررات بین‌المللی به نفع قدرت‌های توسعه‌طلب تنظیم یا اجرا می‌گردد، دانشجویان مسلمان بیرو خط امام به حرکت دست زدند که مورد تأیید امام بزرگ و امت قهرمان قرار گرفت. حرکتی که به مثابه فریاد مظلومیت ملتی قهرمان‌بود که راه بلند استقلال و آزادی را به پای خون پیموده است و می‌باید تا به یاری خدا نظام داد‌بنیاد جمهوری اسلامی را بر ویرانه‌های رژیم وابسته پیشین بنا نهد. رهبر انقلاب و وجدان همیشه بیدار مردم شهیدپرور ایران اشغال لانه جاسوسی آمریکا را به حق انقلابی می‌نامند که از انقلاب اول بزرگتر است. امام امت امر رسیدگی به مسئله گروگانها را به مجلس شورای اسلامی محول فرمودند و کمیسیون امور خارجه این موضوع را که در رابطه مستقیم با سیاست خارجی جمهوری اسلامی است جزو اولین و نه مهمترین موضوعاتی یافت که می‌بایستی در جلسات این کمیسیون مطرح می‌کرد. بهمین منظور طی چند جلسه درباره اصل موضوع و شیوه رسیدگی به آن به بحث و تبادل نظر پرداخت و از سوی برادران عضو کمیسیون تظلم‌نظرهای گوناگونی ابراز گردید. ضمناً اعضای کمیسیون بطور غیررسمی نظر تعداد زیادی از نمایندگان محترم را در این زمینه جویا شدند و در نتیجه در آخرین نشست خود تصمیم به ارائه گزارش جاری به جلسه علنی مجلس شورای اسلامی گرفتند.

در زمینه شیوه رسیدگی به این مسئله دو نظریه وجود دارد که بعضی نمایندگان محترم می‌رساند. اولاً:

نامه کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی به مجلس: امریکای جهانخواه بزرگترین دشمن ما و همه مستضعفین جهان است

لانه جاسوسی آمریکا، مرکز اصلی حکومت بر سرنویشت ملت‌مسلمان ایران و پایگاه تجاوز آمریکا در منطقه پشمار میراث.

مجلس وحدت سوریه و لیبی را تبریک گفت.

نظر به ظرافت و پیچیدگی موضوع مجلس می‌تواند هستی را انتخاب و راساً مأمور رسیدگی به مسئله و حل و فصل آن گرداند. ثانیاً: می‌توان مسئله را در جلسه علنی مجلس طرح نمود تا نمایندگان محترم متعلق نظرهای خویش را ارائه دهند و آنگاه هستی انتخاب و مأمور اجرا و پیاده کردن اصول و ضوابطی گردد که از مجموع نظریات ارائه‌شده بدست می‌آید. در اینجا لازم است نظریه کمیسیون امور خارجه را در این زمینه با ملاحظه برسانیم.

باتوجه به موقعیت خطیری که انقلاب در آن به سر می‌برد و باتوجه به اینکه اشغال لانه جاسوسی و گروگان‌گیری به کل انقلاب و به تمامی مردمی که فداکارانه در صحنه پیکار گام نهاده‌اند مربوط می‌گردد و باتوجه به اینکه در آستانه رسیدگی به امر گروگانها از سوی مجلس شورای اسلامی در خارج و داخل ایران تلاش جو ساختگی و تحمیل آن بر فضای رسیدگی به این مسئله پیش‌می‌خورد و باتوجه به نقطه نظرهای گوناگونی که نمایندگان محترم در زمینه اصل مسئله و شیوه رسیدگی به آن ابراز داشته‌اند کمیسیون امور خارجه جلسه علنی مجلس شورای اسلامی را شایسته‌ترین پایگاه طرح مسئله و رسیدگی به آن و تصمیم‌گیری درباره آن می‌داند و معتقد است که تمامی نمایندگان که به‌مدالله پای‌بند حفظ حیثیت انقلاب اصیل ایرانند می‌بایستی در پیشگاه ملت قهرمان و مسلمان ایران نظریات خویش را مطرح کنند و به نتیجه مطلوبی که درخور این انقلاب است برسند. طبیعی است که مجلس می‌تواند اصول مستخرج از نظریات نمایندگان را بتواند چارچوب حل و فصل مسئله به وسیله هستی که از سوی مجلس انتخاب می‌گردد اجرا و پیاده نماید. از ریاست مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم که بحث پیرامون گزارش کمیسیون امور خارجه را در دستور کار یکبارگی از جلسات علنی مجلس شورای اسلامی قرار دهد تا طبق تصمیم و رای نمایندگان محترم در این زمینه اقدام لازم بعمل آید.

باتوجه به موقعیت خطیری که انقلاب در آن به سر می‌برد و باتوجه به اینکه اشغال لانه جاسوسی و گروگان‌گیری به کل انقلاب و به تمامی مردمی که فداکارانه در صحنه پیکار گام نهاده‌اند مربوط می‌گردد و باتوجه به اینکه در آستانه رسیدگی به امر گروگانها از سوی مجلس شورای اسلامی در خارج و داخل ایران تلاش جو ساختگی و تحمیل آن بر فضای رسیدگی به این مسئله پیش‌می‌خورد و باتوجه به نقطه نظرهای گوناگونی که نمایندگان محترم در زمینه اصل مسئله و شیوه رسیدگی به آن ابراز داشته‌اند کمیسیون امور خارجه جلسه علنی مجلس شورای اسلامی را شایسته‌ترین پایگاه طرح مسئله و رسیدگی به آن و تصمیم‌گیری درباره آن می‌داند و معتقد است که تمامی نمایندگان که به‌مدالله پای‌بند حفظ حیثیت انقلاب اصیل ایرانند می‌بایستی در پیشگاه ملت قهرمان و مسلمان ایران نظریات خویش را مطرح کنند و به نتیجه مطلوبی که درخور این انقلاب است برسند. طبیعی است که مجلس می‌تواند اصول مستخرج از نظریات نمایندگان را بتواند چارچوب حل و فصل مسئله به وسیله هستی که از سوی مجلس انتخاب می‌گردد اجرا و پیاده نماید. از ریاست مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم که بحث پیرامون گزارش کمیسیون امور خارجه را در دستور کار یکبارگی از جلسات علنی مجلس شورای اسلامی قرار دهد تا طبق تصمیم و رای نمایندگان محترم در این زمینه اقدام لازم بعمل آید.

مستضعفین را بالا ببریم

اولین سخنران قبل‌از دستور دیروز رضا صفهانی بود. او از جمله گفت: قبل از انقلاب ملت مستضعف انتظاراتی داشت

و بطور کلی توقع این بود که وقتی حکومت بدست مسلمانان و تشکیلات جمهوری اسلامی افتاد، وضع درست می‌شود، مستضعفین که سالی‌ها سال‌ها مروجیت کشیده و زیر ستم ترورتمندان قرار داشتند، اینها می‌خواستند به حق طبیعی خودشان برسند.

بیاد بیاورید مطالبی را که امام روز اول در بهشت‌زها فرمودند و نیز بعد از آمدنشان به قم گفته که: باید مستضعفین را بالا ببریم و مستکبرین را به زمین بزنیم و آنچه را که خواست اسلام و حق طبیعی مستضعفین است، تحقق بدهیم. ولی به عللی که کبر پیش شنیدید و خودمان درباره این مسئله دیدیم که این آرزو برآورده نشد. بی‌سبب نبود که چند ماه پیش امام برای چندین بار فریادشان بلند شد که این چه حکومتی است. چه کردید؟

وی همچنین گفت: اکنون همان بیرحمان، همان سرمایه‌داران بزرگ، همان زمین‌خواران بزرگ در قالب کسانی که خدمت به انقلاب می‌کنند، درآمد دارند و هر وقت مردم بخواهند حقتشان را بگیرند، آنها را ضدانقلاب نام می‌دهند.

وی در ادامه م‌تذکر گردید: هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچکس نیست که از اینها بپرسد اینها را از کجا آورده‌اید... بسیاری از برادران هستند که احساسشان این است که به این استضعاف اقتصادی خانه داده شود... مسئله این است که جامعه در همین فقر باقی مانده، بی‌کاری است، بی‌سکنتی است، و هیچکدام از اینها اثر انقلاب اسلامی نیست که بخواهند از آنها سوء استفاده کنند... هدف اسلام تکامل معنویت است. این تکامل در این دنیا بدون جریانات مادی نمی‌تواند تحقق پیدا کند.

پس از پایان سخنان رضا صفهانی، گروهی از نمایندگان به سخنان او اعتراض کردند. آقای رفسنجانی ضمن اشاره به دست‌آوردهای انقلاب که توسط حجت‌الاسلام باهنر اعلام شده است، گفت: داین کشور بی‌بهره‌ترین خبلی خدمت کرده است. حقوق حداقل ۱۹ تومان به ۵۷ تومان رسید ماست.

تبریک برای وحدت سوریه - لیبی

پس از پایان سخنرانیهای ناطقین پیش‌از دستور، آقای هاشمی‌رفسنجانی ضمن سخنانی از مجلس خواست

که به اقدام انقلابی در کشور سوریه و لیبی در اتحاد علیه اسرائیل، تبریک بگویند. وی گفت:

سوریه و لیبی اولین گام را در جهت تشکیل یک جبهه نیرومند در برابر دولت اسرائیل و عمل امر-یالیسم غرب در منطقه برداشته‌اند و در شرایطی که مصر و بعضی کشورهای مرتجع منطقه روی سلبش دارند، و بدین ترتیب خطری برای انقلاب‌های منطقه ایجاد می‌کنند، این حرکت بسیار پالرزش‌است. حرکت وحدت‌آفرین این دو کشور بسیار پالرزش‌است و مخصوصاً در زمانی که انقلاب اسلامی ایران جا افتاده و کشور نیرومندی مثل ایران که در گذشته در زمان شاه مخلوع پشتوانه اسرائیل بوده، امروز در صف مبارزان علیه اسرائیل قرار می‌گیرد. ما به این وحدت تبریک می‌گوئیم و از مجلس محترم اجزوه می‌خواهم که بطور رسمی به مسئولان و پیشقدمان این اتحاد تبریک بگوئیم و کار آنها را تأیید کنیم و در موقع مناسب کمکهای لازم.

پس‌از پایان بررسی طرح دعوت از رئیس‌جمهور به مجلس، مخبر کمیسیون امور خارجه، آقای خاتمی گزارش خود را در زمینه نامه‌جوابیه مجلس به کنگره آمریکا ارائه داد. این نامه از سوی مجلس شورای اسلامی خطاب به کنگره آمریکا و در جواب نامه گروهی از نمایندگان کنگره آمریکا به نمایندگان مجلس شورای اسلامی تنظیم شده است. در مورد این نامه گروهی از نمایندگان سخنانی ایراد کردند از جمله آقای آیت تأکید داشت که: داکر مجلس بخواهد این نامه را بنویسد من شخصاً هیچگونه امضایی در زیر آن نخواهم گذاشت.

وی همچنین پیشنهاد کرد که داین نامه با امضاء نمایندگان که خواهان این نامه هستند مشخص شود. پس از پایان سخنان نمایندگان قرار شد که این نامه با در نظر گرفتن پیشنهاد نمایندگان، از سوی کمیسیون امور خارجی تجدید و تصویب شود.

در پایان دکتر ساروخانی نماینده تریز ضمن سخنانی گفت: تجارت خارجی باید صد درصد ملی شود و تعاریفهای توزیع بوجود آید و دست متحرکان کوتاه و جلوی آنها گرفته شود.

در حاشیه مجلس
مخالفت آقای یزدی!
پس‌از آنکه استاد رضا صفهانی گفت: هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچکس از اینها نمی‌پرسد اینها را از کجا آورده‌اید... جلسه مجلس بسیار متشنج شد. آقای دکتر ابراهیم یزدی از پرشورترین مخالفان بود. رضا صفهانی در جواب مخالفان گفت: «چرا هر وقت ددمورد گرفتن احقاق حق مستضعفین صحبت می‌شود، از این‌جا و آنجا صدا بلند می‌شود»

تجربه و مومن به انقلاب را به‌جرم چه بودن باز نسته و یا باز خرید کرده و بدینسان آنرا از سر واکرمانند. در وزارت آموزش و پرورش کار پاکسازی و استخدام جدید شکل تقشش عقیده بخود گرفته و سر و صدای فراوان برانگیخته‌است. مثلاً برخی از پرستش‌های آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران برای استخدام دبیر، صرفاً بمنظور دست‌یافتن به عقاید سیاسی و ایدئولوژیک داوطلبان‌است، که با موازین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تباین کامل دارد. اینکه یک دبیر داوطلب استخدام چه‌توع کتابیاتی مطالعه میکند - که در فهرست سئوالات آمده است - فقط و فقط بمنظور اطلاع از طرز تفکر آن فرد داوطلب‌است و بی‌درحالیکه مرز پاکسازی و استخدام جدید تنها از میان یاور به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مخالفت با آن می‌گذرد، یک معلم کافی است که مومن به انقلاب، وفادار به جمهوری اسلامی ایران و معتقد به خط امام باشد، در اینصورت صرف‌نظر از عقاید سیاسی و مسلکی او در خدمت حفظ دستاوردهای انقلاب، دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تحقق خط ضدامریالیستی و خلقی امام خواهد بود و لاغیر، و این مسلماً بسود انقلاب است. در حالیکه چه‌بسیار عناصر ضدانقلابی که می‌توانند با تظاهر به دینداری پست‌های خود را حفظ کنند و سر فرصت اذهان کودکان را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب مشوب سازند. از آنجا که رسیدگی به کلیه پرونده‌های افراد مشمول پاکسازی نیاز به فرصت کافی دارد، ما پیشنهاد میکنیم که:

- ۱- مهلت رسیدگی به پرونده‌ها که روز هشتم شهریور به پایان رسید تمدید شود.
- ۲- برای تشخیص ضدانقلاب از انقلاب، فقط یک معیار وجود داشته باشد و آن ایمان به انقلاب و وفاداری به جمهوری اسلامی ایرا نو پشینی از خط امام باشد، تا کسی را مجال سوءاستفاده و غرض‌ورزی باقی نماند.

چهره‌های گوناگون پاکسازی

متأسفانه قاطعیت انقلابی این هیئت‌های پاکسازی همه‌جا تأیید مسئولان مربوطه را به‌همراه نداشته و احکام ساده، اینجا و آنجا، مورد اعتراض قرار گرفته‌است. گاه نیز هیئت‌های پاکسازی در جریان رسیدگی و پس از آن زیر فشار واقع شده‌اند، که موجب متأسفانه در مواردی دیده‌شده‌است که نه‌هیئت‌های پاکسازی، بواسطه انقلابی و قانونی خود عمل کرده‌اند و نه مسئولان دولتی به این امر خطیر توجه لازم را مبذول داشته‌اند. آن عدم قاطعیت انقلابی و این بی‌توجهی موجب شده است که آخرین مهلت پاکسازی (روز هشتم شهریور) به پایان رسد و هنوز سره‌های مورد اعتقاد رژیم پیشین در میان بیخ و مهره‌های ماشین دولتی انقلاب باقی‌مانده، که بالطبع وظیفه‌های جز خرابکاری و لنگ کردن کار دستگاه برعهده نخواهند داشت.

وجه دیگر پاکسازی، مسخ کردن محتوی این امر انقلابی از سوی برخی هیئت‌های پاکسازی است. افراد ناآگاه و یا مشکوک که در هیئت‌های پاکسازی جای داشته و یا خود را جای داده‌اند، بجای آنکه عناصر نامطلوب و ضدانقلاب را پاکسازی کنند، اینکار را بهانه دفع عناصر صادق انقلابی کرده‌اند، که به علل سیاسی و ایدئولوژیک هرگز با آنها توافق نداشته‌اند و اکنون فرصت تسویه حساب یافته‌اند. بیشترین پاک‌سازی از این نوع، در وزارت آموزش و پرورش انجام شده، که برخی از آموزگاران، دبیران و مدیران با

شخصی و گروهی، تسویه‌حسابها و غرض‌ورزیها را دخالت میدادند.

تجاوز نظامی ناقص طیس ضربه‌های هشیارکننده بود. مردم دیدند که هلیکوپترها و هواپیماهای آمریکایی، که در دل شب در دشت کویر فرود آمدند، تا به تهران برسند و به «گروگانها» دست یابند و عملیات شوم خود را در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و پیروزی ضدانقلاب، به‌هم برسانند، هزاران دست و مغز باید آنرا گام به‌گام ارشاد کند و این دستها و مغزها جز از آن ضدانقلاب نمیتواند باشد، که در تاروپود نهادهای دولتی، و ارتشی لانه کرده است. این بود که فشار افکار عمومی برای پاکسازی در دستگاه اداری و ارتش افزایش یافت، و بویژه پس از توطئه کودتای ۱۸ تیر ماه که فرمان امام خصی بر زودن تمام آثار طاغوت تأکید میکرد، بار دیگر هیئت‌های پاکسازی مأموریت یافتند که با پیگیری و قاطعیت به کار خود ادامه دهند.

برخی از این هیئت‌ها موفق شده‌اند که بسا ساواکیها و سایر عناصر ضدانقلابی در حیطه صل‌خود، که حتی تا معاونت وزیر و مقام مدیر کلی‌جای‌داشتند، حکم انضال بدهند و آنها از ادارات بیرون بریزند و در احکام پیشین پاکسازی، که درباره عناصر طاغوتی و ساواکی با ارفاق بسیار صادر شده بود، تجدیدنظر نمایند، و احکام کثیف درخور برای آنان صادر کنند.

پس از پیروزی انقلاب، از مهمترین وظائف دولت موقت یکی هم مسئله پاکسازی ارتش، نیروهای نظامی، دستگاه دولتی، بخش خصوصی و مراکز تولیدی از عناصر طاغوتی، ساواکی، فاسد، دزد، رشوه‌گیر و رشوه‌خوار وابسته به رژیم پیشین بود. اگر دولتی واقعا انقلابی زمام امور را در دست داشت، می‌بایست دستگاه دولتی مانده از طاغوت را که، که فقط برای خدمت به امریالیسم و رژیم وابسته بدان شکل گرفته بود، از غریل تک‌باز پاکسازی انقلابی بگذراند، افراد درستکار و مومن به انقلاب را، که از این‌زار نظام طاغوتی، رنگ و بو نپذیرفته بودند، باقی گذارد و بقیه را به نسبت جرائمشان کثیر دهد.

ولی دولت موقت از این یاور بسیار دور بود. زیر فشار افکار عمومی و با تأخیر طولانی، کسانی پاکسازی شدند که از مجرمان دست اول رژیم پیشین بودند، خود از کشور قهراری شده و یا در جنگ عدالت دادگاههای انقلاب گرفتار آمده بودند. ولی بقیه بر سر پستهای خود باقی ماندند و چه با که عناصر مشکوک، زهدان دشمن انقلاب مواضع حساسی را در ارتش، در ادارات دولتی و موسسات تولیدی اشغال کردند. دولت موقت با این بهانه سخیف که، نمیشود تمام کارمندان دولت و ارتش را به‌مخیاپنا ریخت، به فشار افکار عمومی پاسخ میگفت، و در واقع سفسطه میکرد. این برخورد نادرست با مسئله مهم پاکسازی به آنجا انجامید که بسیاری از همکاران درجه اول وزیران و مدیران رژیم پیشین، ساواکی‌ها و رستخیزی‌ها و سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال بر مواضع خود باقی ماندند.

امام خصی به تکرار بر ضرورت پاکسازی تأکید کردند، ولی پاکسازی با آن محتوی که خواست امام و تحت انقلاب بود، انجام نشد. بسیاری از هیئت‌های پاکسازی در وزارتخانه‌ها و ادارات، یا از اختیارات کافی برخوردار نبودند و یا خود شایستگی لازم را فاقد بودند و در انجام وظیفه انقلابی خویش، حسابهای

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

لولو خور خوره‌ای که بنام کمونیسم درست کرده اند

تلیفات دوران "طاغوت"، به دستور آمریکا در محیط نیروهای مسلح، در آموزشگاههای کشور و در فضای جامعه، تمام کوشش خود را صرف آن می‌کرد که از کمونیسم، که یک فلسفه انسان‌دوستی است، لولو خور خوره و وحشتناکی درست کند! رژیم دست‌نشانده شاه دست مردم سرنگون شد، ولی ایسین جریان ناهنجار متاسفانه ادامه یافت و تا امروز هم ادامه دارد. انگیزه‌ها عوض شده، ولی محتوای اصلی دست نخورده باقی است. کماکان رادیو، تلویزیون، کتابهای درسی و غیردرسی، فیلمها، روزنامهها مجلات از تلیفات روراست یا دربرده، ناشیانه یا مودبانه، همچو مآبانه یا شبه علمی، علیه جنبش کمونیستی مارکس و انگلس و لنین - مالا مال است. چه چیزها که نمی‌گویند!

اشخاصی که از این جنبش هیچ اطلاعی ندارند و کشورهای سوسیالیستی (به قول زنده آنها "بلوک شرق" را) اصلا ندیده‌اند و نمی‌شناسند، مطالبی درباره این جنبش و این کشورها بهم می‌یافتند، که در وقتی هیچ عطاری پیدا نمی‌شود. هنوز افسانه‌های مبتدلی از قبیل اینکه به قول آنها "در کشور های کمونیستی" (و حال آنکه هنوز هیچ کشور کمونیستی تاکنون در جهان وجود خارجی ندارد و فقط کشورهای سوسیالیستی وجود دارند) زن من و زن تو معنای ندارد. یا مردم نان خالی هم ندارند! بخورند، یا هر کس نماز بخواند ده سال حبس میشود یا همه باید کارشاق بدنی انجام بدهند و الا بسه سبزی فرستاده می‌شوند یا احدی حق داشتن یک صدلی هم ندارد و اتمال این نوع اباطیل خنده‌آور که روزی علیه "بلشویکها" روبراه کرده بودند، از بسیاری اشخاص شنیده می‌شود. آدم از این وضع

دچار حیرت و تأسف عمیق می‌شود. برای این پدیده عم انگیز چهار علت می‌توان شد:

۱- تلیفات متمرکز و مترام همه قشرهای ممتاز، از سرمایه‌دار و فئودال و خان‌های عشایر و دولت‌های دست‌نشانده آنها در سراسر جهان، که قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بسیار بزرگی را در اختیار دارند، به شکل هماهنگ و مستمر در راه بدنام و مبتذل کردن کمونیسم، از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا احزاب انقلابی، آنقدر گفته‌اند و گفته‌اند، که شاید امر بر بعضی از خود آنها هم شسته شده است. از نیروی اهریمنی تلقین و تکرار حداکثر استفاده شده است.

۲- ناآگاهی، کم آگاهی و بدآگاهی سلطه‌دار کشورهای "جهان سوم". معمولا اطلاع درباره جهان خارج، به ویژه درباره احزاب کمونیست و کارگری و کشورهای سوسیالیستی یا نیست، یا کم است و یا تحت تاثیر همان تلیفات نادرست است.

۳- خرابکاری گروهی که به نام "کمونیسم" بجان مردم افتاده‌اند، مانند مائوئیست‌ها، پل‌پتی‌ها، حفیظ الله امین‌ها، یا کسانی که به دروغ از کمونیسم دم می‌زنند و عمال سیا و اینتلجنس سرویس هستند و تظاهراتی می‌کنند و روشهایی را در پیش می‌گیرند، که مردم را به حق از کمونیسم بری می‌کنند. این یک نقشه آگاهانه برای "زشت‌سازی" کمونیسم است.

۴- علت آخر (که آخرین هست، ولی سبب کمترین نیست) دشواریهای تکامل خود انقلاب سوسیالیستی، خطاهای کودکی و جوانی، مجبور بودن کشورهای سوسیالیستی به مقابله با دستگاه عظیم

حسوسی و نظامی امپریالیستی (جنگ علیه آلمان و ژاپن را بیاد آورید) و اینکه آنها در زیر آتش مستمر حسوسی و نظامی و خرابکاری‌های هنوی و مسادی دشمن مجبور بودند از خاکستر نیستی قد علم کنند، صنایع بسازند، علم و هنر را بسط دهند، شهرها را احیا کنند و غیره و غیره.

امپریالیسم که خود کشورهای سوسیالیستی را دچار مخصه‌های داعی کرده و می‌کند، آنوقت از خرابکاری انجام یافته خود بهره می‌گیرد و برای خود باصلاح دلیل می‌تراشد، عینا مانند مردکی اوباش، که شما را با یک تنه خشن به داخل اجزای پرتاب کند و خودش با قهقهه شما را دست‌بپاندازد که "به به، ببین عجب سرو وضعی دارد!"

اگر مثلا اتحاد شوروی جنگ داخلی (۱۹۲۱-۱۹۱۸) را با ده میلیون تلفات و جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵-۱۹۴۱) را با بیست میلیون تلفات از سر نمی‌گذراند، امروز مدتها بود که از جهت سرانه تولید صنایع سنگین و سبک آمریکا راپشت‌سرگذاشته بود. ولی ضایعات تنها جنگ دوم سید میلیاردر دلار (به بهای دلار سال ۱۹۴۵) بود. اگر ایسین سید میلیاردر دلار، که برابر یک تریلیون دلار امروز است، و آن ۲۵ میلیون جوان کشته برپاداش می‌رفتند اتحاد شوروی که امروز بیش از ۸۵٪ کل تولید آمریکا را دارد، در کجا بود؟ یا همین امروز اگر اتحاد شوروی مجبور نباشد بخش همتابهی از ثروت خود را صرف دفاع در برابر خطر جنگ امپریالیستی و کمک به کشورهای دوست کند، چه مجزات دیگری اقتصادش بیارمی‌آورد؟

این بروت ویلاکوشی‌های تبوع آور علیه جنبش مارکسیستی، که حتی از "اسودترین" و "تربیت شده‌ترین" افراد هم متاسفانه شنیده میشود، چون تمهت زدن به حقیقت است، واقعا درد ناک است، در قرآن آمده است، از کسی که بر خداوند تمهت می‌بندد، ظالمتر کسی؟ در همین سطح میتوان گفت، از کسی که به حقیقت تمهت می‌بندد ستمکارتر کیست؟

تعجب‌آور و تأسف بار نمی‌بود، اگر معلوم میشد که طرف طلب را خوب میدانند و با وجدان علمی حساس استدلال می‌کند و سخنی و ایرادش وارد است. ولی متاسفانه شخص می‌بندد که طرف طلب را کماحقه نمی‌داند، با وجدان آلوده سفسطه می‌کند و تمهت می‌زند و استدلال می‌سازد و ایراداتش به تمام معنی "صدتایک غاز" است.

ولی ما با اطمینانی به محکی صخره صمصام میدانیم که کمونیسم ستیزی صاحبش را به جاشی نمی‌رساند، زیرا مطالبی که دانش انقلابی درباره جامعه و تاریخ می‌گوید، عین واقعیت است، دروغ نیست. در این جریان خطا، گمراهی، دشواری، شکست بوده است، ولی هرگز این عوامل به اصل قضیه بدل نشده، بلکه اصل صداقت در مقابل حقیقت علمی و عدالت اجتماعی، اصل خدمت به بشریت همیشه بوده و هست. مارکسیست‌ها در جامعه‌های تحت رهبری خودشان مجزات اقتصادی و فرهنگی بسیاری کرده‌اند، که انسان منصف را متحیر بسازد، ولی مارکسیست‌ها هنوز، به علمی که روشن است، برای نیل به جامعه ابدال خود می‌باید راه دشواری را طی کنند. در درجه اول سرمایه‌داری نیرومند و متجاوز جهانی و براس آنها لندن و واشنگتن با فشار و خرابکاری داعی خود بر سر این راه مانع می‌تراشند. شما نمونه آنرا امروز در ایران می‌بینید. اگر در واقع بانوان و آقایانی هستند که تمایلگی به درک حقیقت دارند. حزب ما حضرات، بدون صحنه‌سازی‌های تبلیغاتی مفرضانه، دانش و اطلاع خود را در این زمینه در اختیار آنها بگذارید تا با توسل به نقل قول‌های نامربوط و ربط ناشیانه مطالب غیر مرتبط، دست به سفسطه‌زنی کند.

حقیقت پیروی را گذاشتی نمی‌کند. هر کس بهر چه میخواهد باورد داشته باشد، میل خود اوست. ولی اگر می‌خواهد درباره یک مکتب فکری اظهار نظر کند، لطفا اول از آن مکتب فکری سردر بیاورد، نه اینکه اباطیل "مارکس شناسان" غربی را فهمیده نشخوار کند و بعنوان "انتقاد" از مارکسیسم تحویل بدهد.

چطور است که سخنان امپریالیستی در یک مورد ۱۰۰٪ غلط است و در مورد دیگر ۱۰۰٪ درست؟! کارستقدان صدیق به اندیشه‌های انقلابی

دشوار است. در مقابل آنها سدی از سفسطه و دروغ و تمهت و افترا و ابدال تا حد رکب‌ترین دشمنها و جانورانه‌ترین قدریها افراشته شده است. تعهد و ایثار و بزرگی لازم است که بیرون جنبش انقلابی این سد دوزخی را بشکنند. ولی روشن است که تبوع نورانی حقیقت سرانجام ظلمات را می‌برد. به قول حافظ:

به صدق کوش که خورشید زاید از نغست
که از دروغ سه روی گشت صبح نخست

امریکا برای «پیشبرد مقاصد سیاسی خود» طی ۳۰ سال، ۲۱۵ بار

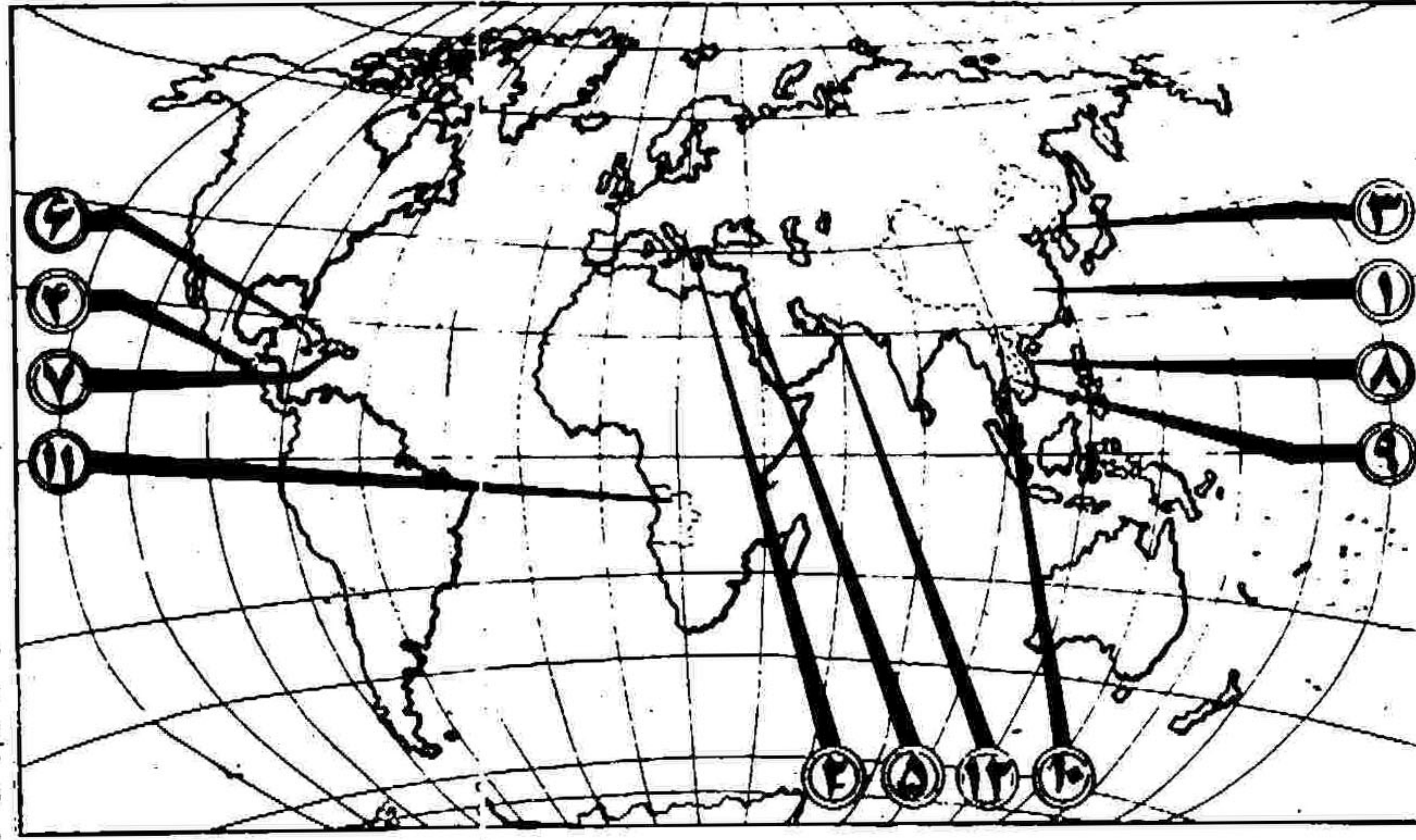
به اعمال قهر متوسل شده است



یکی از سربازان سپاه واکنش سریع

- ۱- حمایت ناوگان ششم در سواحل نزدیک بیروت نیروی پیاده کرد. همچنین واحدهای آمریکایی مستقر در جمهوری فدرال آلمان و نیروی هوایی ایالات متحده در این تجاوز شرکت جستند.
- ۲- کوبا: ۱۳۴۰
- ۳- گروهی از مزدوران آمریکا در ساحل جنوبی کوبا، در "خلیج خوکها" پیاده شدند. بعد افکنشهای آمریکایی ۲۶-ب، نیز در این عملیات شرکت کردند. هدف آمریکا آن بود که دولت فدا امپریالیست و خلقی کاسترو را وازگون و حکومتی وابسته به خود را جانشین آن سازد.
- ۴- جمهوری دومینیک: ۱۳۴۴
- ۵- نیروهای مسلح آمریکا، با نقض منشور سازمان کشورهای آمریکایی، به جمهوری دومینیک حمله کردند. هدف آنها آن بود که در آنجا "نظام
- ۶- آمریکا "را برقرار سازند و حکومتی را به سرکار آورند که حامی منافع انحصارگران آمریکایی باشد.
- ۷- ویتنام: ۱۳۵۲-۱۳۴۴
- ۸- ایالات متحده آمریکا برای سرکوب جنبش آزادی‌بخش هندوچین به مداخله نظامی گسترده در ویتنام دست می‌زند. در سال ۱۳۵۲، ۵۲۵۰۰۰ سرباز آمریکایی در ویتنام بودند. تنها در ویتنام جنوبی بیش از یک میلیون ونیم غیرنظامی کشته و با زخمی شدند.
- ۹- کامبوج: ۱۳۴۹
- ۱۰- ایالات متحده نیروهای خود را به کامبوج گسیل داشت و دو ماه تمام به عملیات نظامی علیه خلق کامبوج دست زد. هدف امپریالیسم آمریکا آن بود که شرایط را برای استقرار رژیم وابسته به آمریکا مهیا سازد.
- ۱۱- لائوس: ۱۳۵۰

- ۱- چنانکه ویلیام فولبرایت، سنااتور آمریکایی، معروف است، ایالات متحده آمریکا را، بخلاف ادعاهای تبلیغاتی رسمی آن کشور، نیروی خارجی تهدید نمی‌کند، بلکه این خطر را تنها در میلیتاریسم داخلی باید دید.
- ۲- به گزارش "انستیتو بروکینگز" ایالات متحده آمریکا از ۱۱ دی ۱۳۲۵ تا ۱۵ دی ۱۳۵۴، بسرای پیشبرد مقاصد سیاسی خود "۲۱۵ بار، یعنی هر دو ماه یکبار، به اعمال قهر متوسل شده است. مادر زیر تنها به ذکر چند نمونه از مداخلات نظامی بی‌شمار امپریالیسم آمریکا در ۳۵ سال اخیر در دیگر نقاط جهان اکتفا می‌کنیم.
- ۳- چین: ۱۳۲۸-۱۳۲۴
- ۴- صد و دهمزار سرباز و افسر آمریکایی مهم‌ترین مراکز استراتژیک کشور را اشغال کردند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا به پشتیبانی مستقیم از نیروهای چانگ‌کاشک شتافت. هدف آمریکا آن بود که رژیم کوشومینتانگ را بر سر قدرت نگه‌دارد و بیکار آزادی‌خواهان مردم چین را سرکوب سازد.
- ۵- یونان: ۱۳۲۸-۱۳۲۵
- ۶- ایالات متحده با مداخله نظامی خود به باری نیروهای سلطنت طلب در جنگ‌خانی شتافت. هواپیماهای آمریکایی، به بهانه جلوگیری از کودتای کمونیست‌ها، نیروهای بریتانیایی را به یونان حمل کردند. ولی هدف راستین آنها پشتیبانی از نیروهای ارتجاعی یونان بود.
- ۷- کره: ۱۳۲۹
- ۸- آمریکا در عملیات نظامی رژیم کره جنوبی برای انتقال جمهوری دمکراتیک خلق کره شرکت جست. به گفته "ماتویو جویو، فرمانده آمریکایی، قصد ارتش آمریکا آن بود که هر چه بیشتر چینی و کره‌ای را نابود سازد. در جریان تجاوز آمریکا، ۱۳۰۰۰۰۰ کره‌ای جان سپردند.
- ۹- کواتالا: ۱۳۳۳
- ۱۰- نیروهای مسلح آمریکا، بویژه خلبانان ایالات متحده، به کواتالا حمله ور شدند و رژیم قانونی آرینس را، که از سیاسی استقلال‌طلبانه پیروی میکرد وازگون ساختند.
- ۱۱- لبنان: ۱۳۳۷
- ۱۲- تبوع دوم عملیاتی نیروی دریایی آمریکا، زیر



آمریکا برای بازداشتن نیروهای ملی لائوس از تحکیم پیوندهای خود با جمهوری دمکراتیک ویتنام، عملیات نظامی فلالانه‌ای را علیه لائوس آغاز کرد. نیروهای بیشتر ارتش مزدور ساپگون، به کمک نیروی هوایی آمریکا، به تجاوز علیه مناطق جنوبی لائوس مبادرت ورزید.

۱۱- آنگولا: ۱۳۵۴

آمریکا نیروی هوایی خود را برای حمل اسلحه در اختیار هولدین روپرتو، مزدور خود، قرار داد. هنری کیسینجر، وزیر خارجه آمریکا، مبلغ ۱۴ میلیون دلار به کمک نظامی به اشرا رخصتی داد. علاوه بر این، فدا انقلابیون آنگولا نزدیکار شناسان آمریکایی آموزش میدهند. آمریکا میخواست از این راه رژیم خلقی آنگولا را وازگون سازد.

۱۲- ایران: ۱۳۵۹

آمریکا، به بهانه "نجات گروگانها" به ماجراجویی طیس اقدام ورزید. هواپیماها و هلیکوپتر های آمریکایی، به کمک کشورهای ارتجاعی منطقه و بانقض آشکار ابتدایی ترین موازین و قوانین بین‌المللی به خاک ایران تجاوز کردند. هدف آمریکا از این توطئه نافرجام آن بود، که به کمک ضدانقلاب داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون سازد و با تحمیل دولتی وابسته دوران سادت جیاولگرا نه خود را در کشور ما از سرگیرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی

و در موقراتیک در جبهه متحد خلق

سبزی فروش های دوره گرد



عده ای از کارگران و کشاورزان تولیدکننده نمات مادی جامعه مابعدت بیکاری و نداشتن زمین، سه فروشنده های دوره گرد تبدیل شده اند. بایکی از آنها به گفتگو نشستیم. او می گوید:

"اسم علی محمدصادق و اهل روستای کمزبون ملایر هستم. قبلا کشاورز بودم، ولی فقط سه جریب زمین داشتیم، که نصف بیشترش دیمی بود. اموراتان نگذشت و مجبور شدیم مثل خیلی های دیگر به تهران بیاییم.

حالا دوازده سال است در تهران هستم و تا کنون به انواع اقسام کارها دست زده ام. از شاگرد بنایی گرفته تا امروز کمی بیبید سبزی فروشی میکنم. از صبح ساعت ۴ که برای تهیه سبزی به میدان میروم، گاهی حتی تا ساعت ۸ شب در کوجها پوسه میزنم، تا خرجی زن و بچهام را پیدا کنم. روزی ۶۰ الی ۷۰ تومان درآمد دارم، ولی برای یک اتاق ۴x۳، در همین علی آبادخانه، ماهی پانصد تومان کرایه می پردازم. تازه بول آب و برق را هم با صاحبخانه نصف می کنیم.

پنج ماه پیش بنیاد مسکن اسم ما را هم نوشت، ولی هنوز خبری از مسکن نشده است."

از او پرسیدیم: چرا سبزی اینقدر گران است؟ او گفت:

"چرایش معلوم است، زیرا دلال های میدان، سبزی را بسته های ده ریال، ناپدیم کمتر، از کشاورز می خردند و بسته های چهار تا شصت ریال به خرده فروشها می فروشند. باید جلوی این دلال ها را گرفت، یعنی دولت باید جلوی آنها را بگیرد، والا هیچکس

حریف آنها نمی شود."

به سبزی فروش دیگری در کوجهای اطراف میدان غار برخوردیم. او هم کشاورز بود و سیزده سال است که از دست بزرگ مالکی به شهر روی آورده است. او می گوید:

"اسم ولی ولینزاده و اهل سراب هستم. هم خودم و هم پدرم خیاط هستیم، ولی پانزده ماه است که پدرم بیکار شده و سیزده ماه پیش هم من بیکار شدم. اگر کار برایم فراهم باشد، سبزی فروشی را رها می کنم. بیکاری مرا مجبور به قبول این کار کرده است."

او هم عامل گرانی سبزی را از چشم واسطه های میدان می بیند. او می گوید:

"هم زمان طاعت و هم حالا، سرمایه دارها هروقت دلشان خواست بیسکویت دوریالی را در فریال می فروشند و هیچکس هم نیست که جلوی آنها را بگیرد."

داود سلحشور، سبزی فروش دوره گرد دیگری که تادوسال پیش از خوش نشین های روستای مشکینجی اردبیل بوده است، می گوید:

"اگر به مانسق و آب بدهند، همین فردا راهی ولایت می شوم."

مقامات مسئول باید چاره ای هم برای فروشندگان دوره گرد بیندیشند. چون همه آنها در اثر بیکاری به این نوع کارها روی آورده اند و هیچکدام مایل نیستند که برای همیشه از دوره گردی در خرابانها امرار معاش کنند.



کارگران کارگاه آتی ساز خواستار احقاق حقوق خود هستند

اخیرا "نامه" سرکشاده ای از طرف ششم کارگر کارگاه "آتی ساز" (چکش سابق) منتشر شده است، که به لحاظ اهمیت، قسمتهای از نامه را درج می کنیم. در این نامه آمده است:

صاحب شرکت در زمان دولت موقت آقای مهندس بازرگان، آهن آلات و ماشین های شرکت را دزدید و در بازار تبدیل به ارز کرد و فرار کرد. ما کارگران بدون هیچ چشمداشتی، بخاطر مبارزه علیه آمریکا، سرسختانه چرخهای انقلاب را بحرکت در آوردیم و طی این مدت به مسئولان گوشزد می کردیم که این کارگاه از نظر ایمنی و بهداشت کمبودهای گلی دارد.

در نامه سبب آمده است:

"اگر کارگری در حین کار بخاطر کمبود وسایل ایمنی سقوط میکرد... او را مانند حیوانی در هر ماشینی که بوبه بیمارستان منتقل می کردند و بهمان خدا رها می ساختند. او پس از بهبودی وقتی به کارگاه مراجعه میکرد، به او می گفتند: "سقوط تو بر اثر بی احتیاطی خودت بوده و باید به اداره بیمه مراجعه کنی تا درصد حقوق خود را دریافت کنی."

وقتی این کارگر به بیمه مراجعه می کرد، نتیجه ای از کارش نمی گرفت، چون از طرف کارگاه لیست کارگران بیمه شده را به اداره بیمه نمی فرستادند. کارگر مزبور بانا راحتی به مسئولین امر می گفت: شما که لیست رابه بیمه نمی فرستید، چرا ماهانه از حقوق من حق بیمه کسر می کنید؟

کارگران چندی پیش برای تحقق خواسته های خود، نماینده های انتخاب کردند تا به این کارها رسیدگی کند. هنگامی که نماینده کارگران به زیروم اجحافات پی برد، مسئولین کارگاه گفتند که نماینده کارگران باید اخراج شود و حتی مدت دو ماه هم حقوق او را قطع کردند. ولی کارگران جلوی اخراج نماینده خود را گرفتند.

چندی پیش کارگران یک بازرسی بیمه رابه کارگاه آورده اند تا به کاربیمه آنها رسیدگی کند. بازرسی بیمه ضمن مراجعه به دفاتر کارگاه مشاهده کرد که از پنج ماه قبل مرتباً هرماه از حقوق کارگران حق بیمه کسر می شده است، ولی کارفرما آنها را به اداره بیمه پرداخت نمی کرده است.

برخی از کارگران هنوز نتوانستند که برای خود دفترچه بیمه دریافت کنند و همچنین خانواده های کارگران بیمه شده هم هنوز از مزایای بیمه استفاده نمی کنند.

کارگران در بهمن ماه ۵۸ چون دریافتند که به خواسته های قانونی آنها ترتیب اثر داده نمی شود، خواستار ملاقات چهار نفر از نمایندگان خود با نماینده بنیاد علوی شدند. او قول داد که ظرف ده روز به کار آنها رسیدگی کند. پس از طی ده روز، نماینده بنیاد علوی، بجای اینکه احقاق حقی از کارگران کرده باشد، گفت که، نقری پانزده روز به همه کارگران مزایا پرداخت می کنیم، ولی کارگران با این نظر اومخالف کردند. حتی نماینده بنیاد قول داد ۳۰ روز مزایا رابه کارگران داد، ولی کارگران گفتند: ما هرگز دست به چنین عمل تنگینی نخواهیم زد و خون شهیدانمان را زیر پا له نمی کنیم و به ملت مظلوم خود خیانت نخواهیم کرد.

کارگران سپس خواستار ملاقات با رئیس بنیاد علوی شدند و روز ملاقات هفت تن از نمایندگان خود را نزد او فرستادند. متأسفانه سرپرست بنیاد علوی هم جوابهای سریالاً به کارگران داد. یکی از کارگران به سرپرست بنیاد گفت: شب عید است و شما راضی نشوید که کارگران که با خانواده هایشان حدود ۴ هزار نفر می شوند از نان خوردن بیفتند و این چنین

آنها رابه اسلام بدبین نفرمائید! ولی آقای سرپرست در پاسخ گفت: همین که هست، کارگاه باید تعطیل شود.

متأسفانه مهندسین کارگاه دست به اعتصاب زدند و کارگاه را بمدت یکماه تعطیل کردند و در انبارها را بستند و کلیدها را هم با خود بردند. کارگران تا آنجا که توانستند و مصالح در اختیار داشتند، کار کردند. مسئولین که ملاحظه کردند کارگران خود را به پول نفروختند، حقوق دیماه کارگران را پرداخت نکردند. کارگران در پاسخ مسئولین گفتند: اگر یکسال هم به ما مزایا ندهند، حاضر به تعطیل کارگاه نمی شویم.

کارگران همچنین اضافه کردند: ما کارگران قسم یاد می کنیم که اگر شش ماهی هم کاری کنیم. چون هدفی بزرگتر را تعقیب می کنیم. یکی از نمایندگان کارگران نزد معاون بنیاد علوی رفت و از او پرسید: چرا حقوق دیماه ما را پرداخت نمی کنید؟ او در جواب گفت: ما حقوق به آنها بی پرداخت خواهیم کرد که فقط برای تسویه حساب حاضر شوند و شما میتوانی بروید وزارت کار و امور اجتماعی شکایت کنید.

کارگران چندین بار برای احقاق حقوق خود به مقامات مسئول مراجعه کردند، ولی نتیجه ای عاید آنها نشد. کارگران یکروز در بهمن ماه ۵۸، بطور دسته جمعی به بنیاد علوی رفتند و خواستار از سر گرفتن کار شدند، ولی مسئولین با این خواست کارگران مخالفت کردند. ظاهراً تعطیل کارگاه بخاطر تعصب و سانسلی ایمنی بود. طبق ماده ۵۰ قانون کار: اگر کارگاهی بخاطر تعصب و سانسلی ایمنی و بهداشتی بخواد تعطیل کند، باید حقوق کارگران آن کارگاه تارفع نقائص تماماً پرداخت شود.

روز ۵۹/۱/۱۰ کارگران سرکار حاضر شدند، ولی مشاهده کردند که هیچ نوع وسایل ایمنی در کارگاه وجود ندارد. مسئولین کارگاه حاضر نشدند کارگران را ببینند و به آنها گفتند که باید روز ۱۶ فروردین سرکار حاضر شوند. همچنین آنها شروع کار را منوط به اخراج نماینده کارگران گذارند، که موفق نشدند.

پس از چند روز مهندسین کارگاه را عوض کردند و تعدادی از مهندسین اخراجی شهرک اکباتان رابه کار گماردند.

کارگران، که مشتاق کار بودند، ملاحظه کردند که مصالح ساختمانی در اختیار آنها قرار نمی دهند و حتی تعداد هزار و صد واحد از مجموعه هزار و هفتصد واحد مسکونی را تعطیل کرده اند. آنها کارهایی به کارگران رجوع می کردند که مصداق مثل معروف "آب در هاون کوبیدن" را داشت.

کارگران پس از چند روز مشاهده کردند که مهندسین اخراجی شهرک اکباتان، کم کاری و رکود و کارشکنی را در این کارگاه رواج دادند. کارگران به این جهت خواستار اخراج مهندسین مزبور شدند، ولی مسئولین بجای اخراج آنها میخواهند کارگاه را دوباره تعطیل کنند. حتی کارفرما بعدت سه روز کارگاه را تعطیل کرد، ولی کارگران در تمام شبها مشغول با صدای از کارگاه شدند، در شب سوم، عده ای مهاجم نا شناس به یکی از کارگران بنام هرمز صفری حمله ور شدند و با شستن دو دندان وی اورابیهوش بر زمین نهادند و فرار کردند.

کارگران خواستار رسیدگی فوری مسئولین امر به این واقعه هستند و از آنها تقاضا می کنند که به خواسته های برخی کارگران جامعه عمل ببوشانند و همچنین جلو تعطیل کارگاه را بگیرند."

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند

زحمتکشان را باید باتصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

کار می کنیم. روزی پنجاه تومان مزد می گیریم. در یک اتاق کرایه ای با ماهی پانصد تومان درآماده حسن، به اتفاق زن و دو فرزند و مادرم زندگی می کنیم. هنوز بیمه ندارم. سندیکا هم اصلاً به کار ما رسیدگی نمی کند و من هم آنجا نمی روم. در گذشته دوهکتار زمین در درگان، آبادی سرخان داشتم. بعلت دیواریه دیوار بودن زمین من با زمین یکی از فتودالهای گران، او زمین مرا با تراکتور از زمین برد. هرچه به ژاندارمری شکایت کردم، کسی به داد من نرسید و من که از زندگی ساقط شده بودم، در سال ۱۳۴۰ برای کرایه تهران آمدم."

در پاسخ ما که پرسیدیم: از انقلاب چه انتظاری داری، گفت:

"انتظارم اینست که تحت سلطه بیگانگان نباشیم. برای خودمان زندگی کنیم، برای خودمان زحمت بکشیم، همه بیمه باشیم، مسکن داشته باشیم. یاد کارگر دیگر، به نامهای محمدجوادیوسفی پور (از حمام نوروزآده) و سگینه خوماهیان (از حمام صالحی واقع در خیابان صدق) هم گفتگو کردیم. وضع کار درآمد، مسکن و... آنها هم چندان فرقی با دیگرکاران آنها ندارد. همه از نبودن یا فعال بودن سندیکا ناراضی هستند و از مقامات مسئول می خواهند که به وضع نابسامان آنها رسیدگی شود.

"بله، بهمین جهت از سال ۱۳۳۹ تاکنون دارم قسط بانک میدهم و باز هم باید بدهم." او در ادامه سخنان اظهار داشت:

"آزوبم اینست که وضع اقتصاد کشور درست شود. مسئله بیکاری و گرانی حل شود و اختلاف بین مردم از بین برود."

به دومین گرمابه ای که وارد شدیم، گرمابه "نوروز زاده"، واقع در خیابان مختاری است. با یکی از کارگران سرپینه که مامور دادن لنگ و حوله به مشتریان است، گفتگو کردیم:

"اسم من محمدحسن عباسی است. پانزده سال است که روزی پانزده ساعت کار میکنم و روزی پنجاه تومان دستمزد می گیرم. در یک اتاق اجاره ای که ماهی چهارصد تومان اجاره آن است، به اتفاق زن و پنج فرزندم زندگی می کنم. بیمه هستم، ونسی از مرخصی سالیانه، حق اولاد و سایر مزایا برخوردار نیستم. از وجود سندیکا اطلاعی ندارم. از مقامات مسئول می خواهم که سطح دستمزد ما را بالا ببرند و ساعت کار ما را به هشت ساعت تقلیل دهند، همین."

با کارگر دیگری به نام قاسم مقصدلو، که دلاک گرمابه نوروززاده است، به گفتگو نشستیم:

"از ساعت شش صبح تا هشت بعد از ظهر اینجا

روزی ۲۰ تومان می گیرم و مشتری هامم با دادن انعام مقداری از درآمد مرا تامین می کنند.

سه سال است که در این حمام کار می کنم. نه بیمه هستم و نه سندیکائی داریم. ماسه خانسوار هستیم، که با هم یک خانه به مبلغ صد هفتاد هزار تومان خریدیم و هرماه هزار و صد تومان بابت قسط آن می پردازیم.

دلم می خواهد وضع ملک دست درست شود، ارزانی شود، تا ما هم بتوانیم زندگی بچهایمان را اداره کنیم.

کارگر دیگری به نام یدالله اکبری گفت:

"سی و پنج ساله هستم. روزی ده تا دوازده ساعت کار می کنم. روزی شصت و سه تومان مزد می گیرم و با انعام مشتریها درآمدم به صد تومان می رسد. بیمه هستم."

او در پاسخ ما، که در مورد وجود سندیکا پرسیده بودیم، گفت:

"سندیکا باید به کار ما برسد. کارگران عضو سندیکا باید همه از مزایای بیمه استفاده کنند. ولی سندیکای فعلی به دردم کارگران نمی رسد و در حال تعطیل است."

از او پرسیدیم: خانه داری؟ در جواب بسا پوزخندی گفت:

اخبار کارگری

کارگران گرمابه در دشان مشترک است

کارگران گرمابه، که سراسر زندگی شان در گرمای مرطوب و نمناک حمامها سپری می شود، اکثراً به بیماری رماتیسم مبتلا هستند. دردهایشان مشترک، درامشان کم و بدنشان خسته است. برای آگاهی از وضع کارگران گرمابه، با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم:

اولین گرمابه مورد نظر ما، بنام گرمابه "لوکس دریا"، در میدان راه آهن تهران واقع شده است. داخل حمام شدم، ولی از مشتری خبری نبود. بایکی از کارگران حمام، بنام سگینه یونسیان روبرو شدیم و از او خواستیم که از زندگی اش برای ما بگوید. او در پاسخ گفت:

"این حمام مشتری کم دارد، بخصوص ماه رمضان، که معمولاً تا ظهر بدون مشتری است. من از ساعت ۸ صبح تا ۲ شب اینجام. از زن استاد

در جهان سوسیالیسم

در کشورهای اروپای شورایی همیاری اقتصادی «کارگران اکثریت مطلق جامعه را تشکیل می دهند»

جدول زیر شماره کارگران کشورهای اروپایی شورای همیاری اقتصادی را (به هزار) نشان می دهد:

Table with 4 columns: کشور (Country), ۱۳۲۹, ۱۳۳۹, ۱۳۴۹, ۱۳۵۷. Rows include بلخارستان, مجارستان, جمهوری - دیموکراتیک آلمان, لهستان, رومانی, اتحادیه شوروی, چکواکی.

بیت و پنج سال پیش تنها در جمهوری دیموکراتیک آلمان و چکواکی طبقه کارگر در اکثریت بود...

در دهه گذشته، در همه این کشورها، کارگران و خانواده های آنان اکثریت مطلق جمعیت را تشکیل می دهند...

در جهان سرمایه داری

بازار کار خاکستری - بازار «مردن» پرده فروشی

بازار کار خاکستری اصطلاحی است که به «عاریه دادن قانونی و غیرقانونی نیروی کار در کشورهای سرمایه داری اطلاق می شود...

در بازار کار خاکستری، موسساتی پدید آمده اند که کارگران، زنان و مهاجران و غیره برای ساعات روزها و ماههای مین به کارفرمایان قرض می دهند...

در ایالات متحده آمریکا، در کالیفرنیا، پرده فروشان قرن بیستم، کارگران روستایی خود و مهاجران مکزیک را در اختیار مزارعداران قرار می دهند...

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

در مطبوعات کشور

لیبرال هارا برانید

این سخنی بود که یک روز می بایست با صراحت گفته می شد. مردم انقلاب نگردانند که زمام آن را به دست لیبرال ها بدهند...

سرمستفین نباید بار دیگر شرفنامه می دهند و نمی شود... ای کسانی که از صمیم قلب می خواهید از مصالح و منافع مستفین پاسداری کنید!

(آزادگان - ۲۵ شهریور ۵۹)

در جهان جهانی

وزیر اوقاف سوریه: اتحاد شوروی دوست اعراب و مسلمانان است

در کنگره بزرگ مسلمانان اتحاد شوروی، که در تاشکند برپا شده است، محمد الخاطب، وزیر اوقاف سوریه گفت:

«اتحاد شوروی دوست اعراب و مسلمانان است و ما امروز در مبارزه دشوار برای بازپس ستاندن حقوق حقه مردم فلسطین این حمایت را احساس می کنیم»

«محافل ارتجاعی می خواهند وحدت مسلمانان را از میان ببرند در این تلاش، به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم خدمت می کنند و بدین ترتیب اجازه می دهند که معاملات خائنانانه ای مانند کتب دهبود امضا شود»

محمد الخاطب گفت: «صهیونیست ها دست به جنایت جدیدی زده و بیت المقدس را به خاک خود منضم کرده اند»

بدنیال دیدار رهبران دو کشور: مقدمات وحدت سوریه و لیبی فراهم شد

حزب سوسیالیست بعث عرب سوریه و کنگره عمومی خلق لیبی اعلام کردند که بزودی اجلاس برای ایجاد ارگانهای حکومتی یک کشور واحد تشکیل خواهند داد...

سوریه و لیبی تصمیم گرفته اند در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به وحدت کامل برسند...

مبارزه پیگیر با یسواد در آنگولا

گزارش های رسیده از آنگولا نشان می دهد که مبارزه گسترده با یسواد در سرتاسر کشور با شدت ادامه دارد...

دولت انقلابی آنگولا، برغم توطئه های نژادپرستان آفریقای جنوبی و حملات مکرر نیروهای نژادپرست به خاک آنگولا، برنامه های وسیعی در کارخانه ها، مزارع، سربازخانه ها، تعاونی ها و غیره برای از میان بردن یسواد اجرا می کند...

سرکوب و ترور مبارزان در آفریقای جنوبی شدت یافت

کنفرانس همبستگی با مبارزه خلق نامی بیابا برای آزادی و استقلال درباریس برپا شده است...

سام نیوما، رهبر سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سوابو) - سازمانی که برای استقلال نامیبیا با نژادپرستان آفریقای جنوبی بیکار میکند، اعلام کرد:

«رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به هیچ وجه قصد ندارد مسئله نامی بیابا را حل کند، بلکه برعکس سرکوب و ترور علیه مبارزان را افزایش داده است»

سام نیوما تاکید کرد که نژادپرستان آفریقای جنوبی خاک نامی بیابا را به پایگاه حمله به کشورهای همسایه از جمله آنگولا تبدیل کرده اند...

در جهان جهانی

فرح زن شاه سابق اعترافی می کند: آمریکا و انگلیس سرکوب نظامی را توصیه می کردند

فرح، زن شاه سابق، که به ویژه در ماه های آخر سلطنت تنگین محمدرضا در اداره کشور، کمان روزها مناسبتی غیراز سرکوب انقلابیون نمی داد، اعتراف کرده است که، آمریکا و انگلیس سرکوب نظامی مردم را توصیه می کردند...

آمریکا و انگلیس طی سال ۱۳۵۷ به او (شاه) وعده پشتیبانی می دادند. آنها رسماً اعلام می کردند که شاه بهتر است روش های مسالمت آمیزی را با مردم به کار ببرد...

فرح، همچنین در مصاحبه خود که چند روز قبل از مرگ شاه انجام گرفته، اعتراف کرده است که آمریکا طی ها قصد دارند شاه سابق را بکشند...

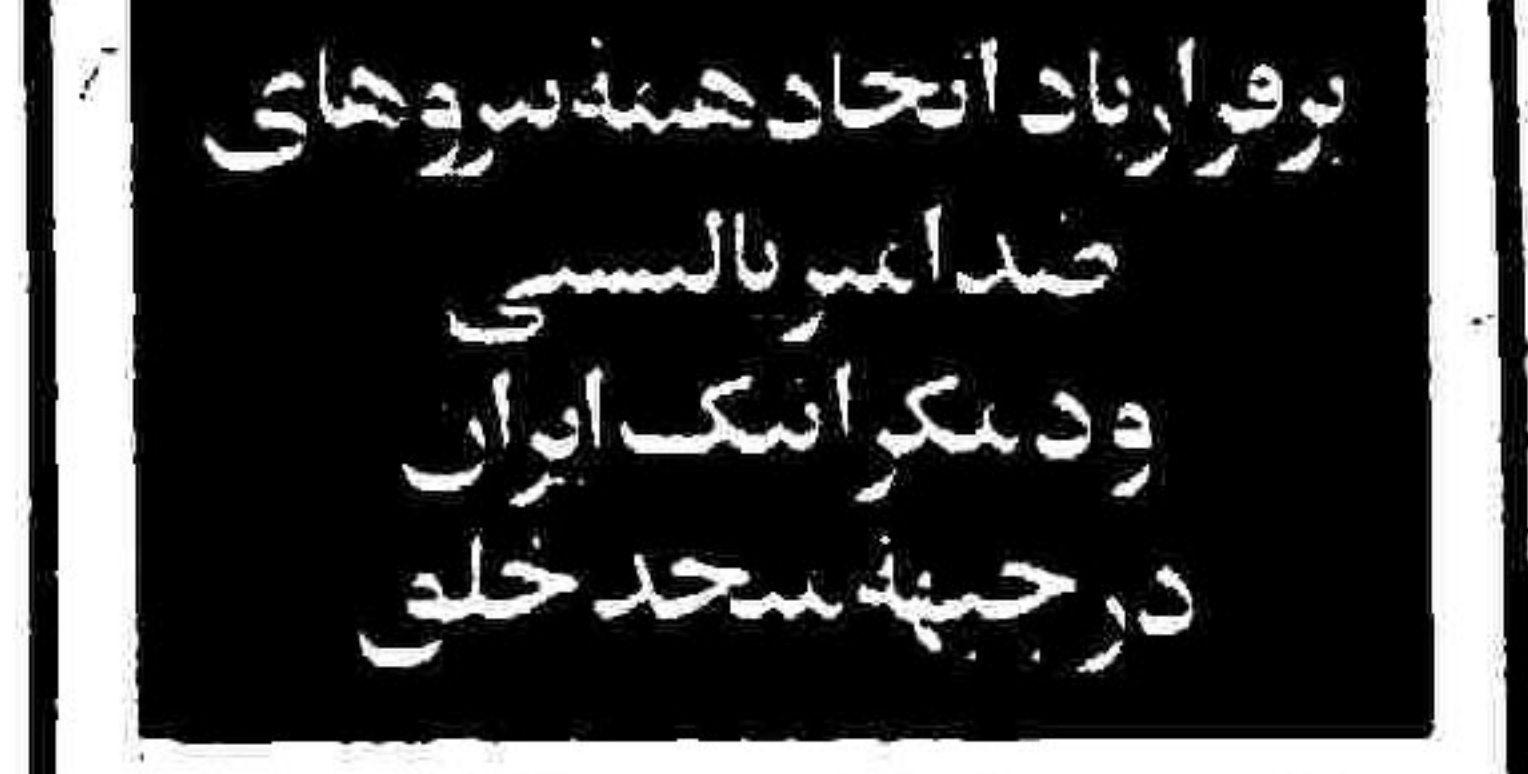
«اگر قرار باشد روزی شاه را بکشند این را بطرز ماهرانه ای انجام خواهند داد، مثلاً به صورت یک تصادف...»

فد انقلاب آشکارا برای کودتاجیان اعدای راه پیمائی می کند

به دنبال اعدام یکی از کودتاجیان موسوم به غلامحسین خرقانی، عده ای از عوامل ضدانقلاب، متشکل از قاجاجیان، اوباش و ساواکی ها، در خیابان مرتضوی تهران به عنوان عزاداری، تلیفات و سب می علیه انقلاب به راه انداختند...

عده ای از اهلای خیابان مرتضوی برای مبارزه با عوامل ضد انقلاب و توطئه های آنان گرد هم آمدند...

در این اعلامیه، ضمن حمله به آمریکای جنایتکار و افشای عوامل آن در ایران، از همه مردم خواسته شده است که در برابر پی ماندن های رژیم سابق ساکت ننشینند...



شرکت «نامه مردم» در جشن «نوی واگ»، ارگان مرکزی حزب چپ - کمونیست های سوئد

جشن سالانه روزنامه «نوی داگ» ارگان مرکزی حزب چپ - کمونیست های سوئد، در روزهای ۱-۲ شهریور ۱۳۵۹ در استکهلم برگزار شد...

در این جشن، که زیر شعار «مبارزه برای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم»، انجام گرفت، ده ها هزار نفر از زحمتکشان سوئد شرکت کردند...

نمایندگان بسیاری از روزنامه های ارگان احزاب برادر نیز مهمان رفقای سوئدی بودند...

«... تم پرافتخار حزب توده ایران را بر تابلو نوشتیم و بر بالاترین نقطه دماوند، بلندترین نقطه ایران عزیز قرارش دادیم...»

پرافتخار حزب توده ایران را نوشتیم...»

دردم کرج

مردم کرج خواهان دستگیری رئیس ساواک این شهر هستند

به دنبال آزاد شدن سرهنگ پرنیاتی، رئیس ساواک کرج از زندان، مردم کرج به شدت به این عمل اعتراض دارند و خواستار دستگیری وی و اجرای عدالت در مورد او هستند...

سرهنگ پرنیاتی، با توجه به جنایات ساواک در کرج، بنا به حکم آیت اله خلیفای محکم به اعدام بود...

آزادی این فرد ضدانقلابی موجب نگرانی وسیع مردم کرج شد...

در ارتباط با همین موضوع، از طرف جوانان مسلمان پیرو امام کرج، اطلاعیه ای صادر شد...

«پس از سپری شدن چند ماهی از انقلاب - شگوهمنند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی شاهد آزاد شدن جنایتان و شکنجه گران رژیم منحل پهلوی و رؤسای ساواک و شهربانی در کرج هستیم...

انقلاب اسلامی کرج با این کار خود دوباره اجازه می دهد که جنایتان ساواک و شهربانی به اجتماع بازگردند...

در دنباله اطلاعیه، ضمن اشاره به طرکودنای اخیر و شرکت فعال ساواکی ها در آن، آمده است: «ما خواستار محاکمه سرهنگ پرنیاتی رئیس ساواک کرج و سرهنگ مصلحی رئیس سابق شهر بانی کرج و دیگر افراد سابق شهربانی و ساواک کرج می باشیم...»

جماعتداران زیر نقاب مذهب به رهبر انقلاب توهین می کنند

عوامل مزدور امپریالیسم آمریکا در سپهران اخیراً فعالیتهای خود را تشدید کرده اند...

عوامل ضدانقلاب صورت می گیرد، باید با قاطعیت روبرو شد...

بر بلندابند ایران... بر بلندابند ایران...

تابلو نوشتیم و بر بالاترین نقطه دماوند، بلندترین نقطه ایران عزیز قرارش دادیم...

پس از هواداران حزب توده ایران، تابلو حزب پرافتخار خود را بر بلندترین نقطه دماوند نصب کرد...

«قوتی رنگ را رفقای حزبی رفیق پیش از صعود ما در قله گذارده بودند، تابلو را هم رفقای دیگر سال گذشته، بر نوک دماوند نصب کرده بودند...

پرافتخار حزب توده ایران را نوشتیم...»

پرافتخار حزب توده ایران را نوشتیم...»



کودتای نظامی امریکائی در ترکیه و خطرات ناشی از آن برای انقلاب ایران

پایگاه نظامی و سرریل تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه‌پایداری از آنجمله سازمان آزادیبخش فلسطین، از این جمله است. تقویت نیروی نظامی اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، عمان، پاکستان، امارات عربی، یمن، یمن و واداشتن دولت یمنی عراق در عملیات تجاوزی علیه جمهوری اسلامی ایران، تأسیس پایگاه‌های نظامی جدید در خاک این کشورها و تبدیل بندر بربر در سوماتر به پایگاه نظامی دریائی. همه این اقدامات حلقه‌های زنجیره واحدی هستند که امریالیسم آمریکا منظور محاصره نظامی کشورهای مستقل ملی این منطقه و در درجه اول جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است.

تدارک و انجام کودتای نظامی در ترکیه پدست زیرالهای عالی‌رتبه وابسته به آمریکا جزئی از همین تدابیر و برای همان منظور است. علاوه بر این تمام طرح‌های توطئه‌ها و مداخلات نظامی آمریکا که علیه جمهوری اسلامی ایران تدوین شده و گروه‌های ضد انقلاب، مرکب از ارتشیان و ساواکیهای فراری ایران از عناصر اجرائی موثر آن هستند بر جبهی ماموران دواتر جاسوسی و وزارت دفاع آمریکا در این کشورهای وابسته به امریالیسم آمریکا بسیج میشوند و تمرین مریینند و آماده میگرددند. بدین ترتیب کودتای نظامی امریکائی در ترکیه ضمن اهدافی که در مورد خود کشور ترکیه بسود امریالیسم آمریکا عملی میسازد یکی از حلقه‌های محاصره نظامی بشمار میرود که امریالیسم آمریکا دیوانه‌وار میکوشد به‌دور جمهوری اسلامی ایران بکشد.

هدف آمریکا از سازمان‌دادن کودتای ترکیه علاوه بر سرکوب جنبش رهایی‌بخش و استقلال‌طلبانه مردم ترکیه و تحویل یک دیکتاتوری نظامی فاشیستی بر آنها، ایجاد کانون خطرناک جدیدی تشنج‌های جنگ - طلبانه و مرکز فعال توطئه و مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

از سوی دیگر عضویت ترکیه در پیمان نظامی تجاوزکار ناتو با موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی نظامی آن، هم‌مرز بودن با اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران برای امریالیسم آمریکا، از چنان‌اهمیت و حساسیتی برخوردار بود که هرگونه تغییری در آن بمعینده استراتژیهای وزارت جنگ و سیا به آمریکا نمیتوانست بی‌آمدهای زیانبار و جبران‌ناپذیری برای امریالیسم آمریکا و دیگر دول امریالیستی‌عضو پیمان ناتو به‌همراه نداشت باشد.

امریالیسم آمریکا، که در نتیجه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و پیروزی انقلاب دمکراتیک مردم افغانستان و استحکام میانی اتحاد و همبستگی کشورهای عضو جبهه‌پایداری در برابر تجاوز اسرائیل و همه جنبشها و نیروهای ترقیخواه منطقه مجموعه همبستگی استراتژیکی نظامی خود را به‌مقیاس منطقه و در سطح جهانی با شکستی محتوم و جبران‌ناپذیر روبرو مرییند برای نجات از چنین شکستی بر رشت توطئه‌ها و تدارکات جنگی و حضور نظامی خود در این منطقه در دو زمینه تلاش میکند: از یکسو مستقیماً تقویت نیروهای نظامی دریائی و هوائی خود و استقرار واحدهائی از نیروی واکتس سریع در منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز و اقیانوس هند و بازسازی و گسترش پایگاه‌های نظامی دریائی و هوائی خود در این منطقه، ازسوی دیگر بطور غیرمستقیم و به صورت افزایش کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به رژیم‌های وابسته و دست‌نشانده خویش در کشورهای منطقه و تبدیل سرزمین این کشورها به

در فکر خاتمه دادن به چنین سیاستی و اتخاذ تدابیر جدی برای سالمسازی اقتصاد در راستای قطع وابستگی‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی به دول امریالیستی و در درجه‌اول امریالیسم آمریکا باشند. برعکس آنها راه تمسب و گسترش هرچه بیشتر این وابستگی را دنبال میکنند. همه اینها و تمهید واکذارای پایگاه‌های نظامی به امریالیسم آمریکا و همپیوندی نظامی هرچه‌بیشتر با پیمان نظامی ناتو موجب نارضامتی‌روز-اژون مردم شد و در نتیجه خواست تحولات بنیادی در تمام شئون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در میان اقشار و توده‌های وسیع جامعه مطرح گردید.

تحولات انقلابی در منطقه و بویژه پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و استقرار جمهوری اسلامی ایران موجب انحلال پیمان نظامی سنتو گردید، و پیروزی انقلاب دمکراتیک مردم افغانستان از عوامل مثبت و مهمی بودند که تأثیرات جدی و عمیق‌دیرین مردم ترکیه باقی‌گذاشتند و میتوانستند در روند تکامل رویدادهای ترکیه تأثیراتی مثبت در جهت تمسب و از دست‌رفتن مواضع سیاسی و نظامی امریالیسم جهانی به‌سرگردگی امریالیسم آمریکا در ترکیه داشته باشند. همچنین علت امریالیسم آمریکا بر آن شد که با توسل به شیوه آزموده خود در مناطق مختلف جهان، یعنی کودتای نظامی، گروه زیرالهای سرسپرده خویش را بر کشور حاکم سازد و روند تکامل حوادثی را که سرانجام آن میتواند برای امریالیسم آمریکا زیانهای سنگینتری را همراه داشته باشد متوقف نماید.

پس از کودتای نظامی امریکائی در ترکیه که ساعت چهار بامداد روز جمعه به سرکردگی ژنرال کنان‌اورن رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ترکیه انجام گرفت کابینه و پارلمان کشور منحل اعلامشد و قانون اساسی به حالت تعلیق درآمد. ژنرال کنان‌اورن سرکرده کودتاجیان که مقام ریاست شورای نظامی را بعهده گرفت و ۲۴ ساعت پس از اجرای کودتا خود را رئیس جمهور ترکیه اعلام کرده انگیزه عمدتاً کودتا را گسترش موج تروریسم و ناپسامانی وضع اقتصادی کشور عنوان کرد.

مبارزات سیاسی در پارلمان ترکیه که طی چندماه اخیر بر سر انتخاب رئیس جمهوری در گرفته بود از عوامل برانگیزنده تشنج‌های حادی بود که طی چندماه اخیر سراسر ترکیه را فرا گرفته بود. جو حاکم بر کشور موجب درگیریهایی شدید و گسترش موج عملیات تروریستی در ترکیه شد. بود که محافل افراطی راست‌گرا و چپ‌نمایانی که عملاً بسود نقشه آمریکا عمل میکردند، بدان دامن میزدند. در نتیجه این درگیریهایی خشونت‌آمیز طی چند ماهی که از سال جاری میگردد در حدود ۱۸۰۰ نفر قربانی این اقدامات تروریستی شدند. ترورها عمدتاً از جانب نیروها و عناصر افراطی راست‌گرا و گروه‌های مائوئیستی، علیه عناصر و نیروهای ترقیخواه انجام میگرفت.

بحران سیاسی که در ترکیه روزبروز عمیق‌تر میشد و تمام حیات اجتماعی و سیاسی کشور را دچار مرجوم و ناامنی کرده بود ناشی از بحران اقتصادی عمیق و هم‌جانبه‌ای بود که از مدت‌قبل بر اثر سلطه سرمایه‌داران وابسته و زمینداران کلان و وابستگی عمیق به انحصارات امریالیستی و همچنین در نتیجه سیاست نظامیگری و شرکت در پیمانهای نظامی امریالیستی گریبانگیر ترکیه گشته بود. زمامداران این کشور، به اعضای ماهیت‌طلبانه‌شان اصولاً نمیتوانستند

در آستانه گشایش کارزار انتخاباتی در پرتغال

«اتحاد خلق متحد»، دمکراتها و ضد فاشیست‌های پرتغال را به اتحاد فرا میخواند

واقبت آنستکه، «حزب سوسیالیست» با علم کردن «جبهه جمهوریخواه سوسیالیست» و خودداری از هرگونه ائتلاف انتخاباتی با «حزب کمونیست پرتغال»، شانس پیروزی اجزاب راست را افزایش می - بخشد.

«اتحاد پورو اوئیدو»، که «حزب کمونیست پرتغال» بزرگترین نیروی آنرا تشکیل میدهد، برنامه خود را بر پایه اتحاد همه‌مناسر دمکرات پرتغال استوار ساخته است. این «اتحاد»، که در صد آراء خود را در انتخابات پیش‌بره ۱۹ افزایش داده، بر آنست که برای نخستین بار کرسی‌های پارلمانی استانبائی گلسلور آنکو، و یانادو گلسلور و ویزو را هم بدست آورد. در لیست انتخاباتی «اتحاد پورو اوئیدو»، فزون‌برنام‌های رهبران و اعضای برجسته سازمان‌های متشکل در «اتحاد»، مانند آوارو کونیال و خوزه مائول تنگاریثا، اسامی نمایندگان همه طبقات و قشرهای زحمتکش و حداقل ۶۰ دمکرات و ضد فاشیست سازمان جوانان توده ایران باستاد نشریات و اعلامیه‌های خود، بشائبه یکرازشایسته‌ترین سازمان‌های پیشاز جوانان ایران - چه قبل و چه بعد از انقلاب شکوهمند مردم ایران - همواره نقش انقلابی، دشمن - برانداز و سازنده خود را، در پشتیبانی از خط قطع و سازش‌ناپذیری امام خفنی ایفا کرده‌است. بمعینده ما حمله به دفتر سازمان ماه حمله به دفتر یکی از رزمنده‌ترین گردانهای مبارز ضد امریالیست است، و نتیجتاً عملی است - آگاهانه یا ناآگاهانه - به‌نفع امریالیسم جهانی، بسرگردگی امریالیسم آمریکا، و ایادی مزدور داخلی آن، که در شرایط حساس کنونی با تمام توان امریالیستی خویش، گسترده‌ترین توطئه‌ها را یکی پس از دیگری، علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان میدهند.

تن جزو نامزدهای «اتحاد دمکراتیک» هستند و بنوشته «دودیلو»، تمام قرائن حاکی از آنست که «سائوتو» (متر دولت و پارلمان) به ستاد مرکزی انتخاباتی «اتحاد دمکراتیک» مبدل خواهد شد.

اما چنانچه از خوشبینی هدفمندانه «اتحاد دمکراتیک» بگذریم و به برخی از واقعات سیاسی پرتغال بنگریم، چنین می نماید که پیروزی راست‌گرایان چندان مسلم نیست. در این زمینه، میتوان از «یادیردن» تقریباً همه مواعید انتخاباتی از سوی «اتحاد دمکراتیک»، گاهی بی‌مستطعم زندگی، محدودیت حقوق زحمت - کنان، رویارویی مداوم بسا سندیکاها و کارگران روستایی «آلتیو»، رئیس جمهور، شورای انقلاب دادگاهها و حتی قانون اساسی نام برد. فزون‌براین، دولت کمونی پیش‌نویس قانون انتخاباتی جدیدی را نیز تهیه کرده‌است که هدف آن تغییر باز هم بیشتر قانون فعلی در راستای منافع «اتحاد دمکراتیک» است. شورای انقلاب این پیش‌نویس را منافی با قانون اساسی اعلام کرده و تاکنون مانع از طرح آن شده است.

ناظران سیاسی در لیسبون این پدیده‌جالب را یادآور گردیده‌اند، که گروه «بهبودگران»، مرکب از برخی از اعضای سابق «حزب

سوسیالیست»، تاکنون تمایلی به اجای همکاری انتخاباتی سال پیش خود با «اتحاد دمکراتیک» نشان نداده است. از سوی دیگر، همکاری آدریانو موریرا، وزیر ستمرات سالازار، با «اتحاد دمکراتیک» بسیاری از اظار را بخود جلب کرده است.

پدیده جدید دیگر آنکه، برای نخستین بار سازمان فاشیستی «میرن» نیز در انتخابات شرکت میکند. تجزیمطلبان راست‌گرای آژور و مدیرا هم قصد دارند زیر عنوان «دمکراتهای آتلانتیک» شانس پیروزی در انتخابات آینده را خواهند داشت و نه هفت دارو دسته چپ‌های مائوئیستی و تروتسکیستی، که به معرف نامزد - های چند مبادرت‌ورزیده‌اند. درجبهه مقابل «اتحاد دمکراتیک» «جبهه جمهوریخواه سوسیالیست» و «اتحاد پورو اوئیدو» ارادند. چنانکه پیشگویی‌های مارویسوارش و دیگر رهبران «حزب سوسیالیست» رایاور کنیم، «جبهه جمهوریخواه سوسیالیست»، مرکب از حزب نامبرده و دو گروه دیگر، اکثریت مطلق آراء را بدست خواهد آورد. اما با کمی واقع‌بینی، چنین پیروزی بعید بنظر میرسد. هرچه‌باشد درصد آرای «حزب سوسیالیست» در انتخابات گذشته از ۳۵ به ۲۳ کاهش یافت. لیکن

انتخابات پارلمانی پرتغال روز ۱۳ مه‌ماه برگزار خواهد شد و کارزار انتخاباتی رسماً در تاریخ ۲۳ شهریور گشایش خواهد یافت. مهلت اعلام لیست‌های انتخاباتی هم‌اکنون پایان یافته است و دوازده حزب و سازمان ائتلافی، ۲۱۶ میلیون پرتغال را فرا - خوانده‌اند که از میان ۶۰۰۰ نامزد آنها، ۲۵۰ نامزده را برای پارلمان آن کشور (آسملیا دار پوبلیکا) برگزینند.

در آستانه کارزار انتخاباتی، «اتحاد دمکراتیک»، که از اجزاب راست‌گرای «حزب سوسیال - دمکرات»، مرکز دمکراتیک و «حزب سلطنت‌طلبان خلق» تشکیل میشود، نسبت به پیروزی انتخاباتی خود ابراز خوشبینی میکند. یادآور میگردیم که این بلوک راست‌گرا توانست، در یرتو قانون انتخابات غیر - دمکراتیک پرتغال، در انتخابات اخیر اکثریت مختصری بدست آورد و دولت کمونی را تشکیل دهد. اما پایگاه اجتماعی «اتحاد دمکراتیک» هنوز بس محدود است. از سوی دیگر، این «اتحاد» از مواضع کلیدی در دستکاه دولتی بهره‌مند است. تقریباً تمام دستکاه تبلیغاتی را در انحصار خود در آورده‌است و برتر از همه، منابع عظیم مادی را در اختیار دارد.

از پانزده وزیر کمونی، دوازده

اعلامیه سازمان جوانان توده ایران - رشت به مناسبت حمله به دفتر سازمان در رشت: در شرایط حساس کنونی، اعمال قانون شکنانه، تشنج آفرین و ایجاد نارضائی به نفع انقلاب نیست

مردم مبارز رشت، جوانان و دانش‌آموزان انقلابی! ساعت بیست و سه (۲۳) شب، سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۵۹، عمدهای از افراد تحریک شده، که در بین‌شان تعدادی چاقو کش، مائوئیست و ساواکی‌نیز دیده شده‌اند، به دفتر سازمان جوانان توده ایران و کانون دانش‌آموزان ایران در رشت حمله کردند و بعداز تخریب ساختمان و آتش‌زدن کلیه کتابها، نشریات و اثاثیه موجود در ساختمان، در جلو چشم پاسداران و ماموران انتظامی آنرا به اشغال خود درآوردند.

هانگونه که امام خمینی رهبر انقلاب، آیت‌الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور و دیگر مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده‌اند و ما نیز بکرات متذکر شده‌ایم، اینگونه اعمال خودسرانه و ناقص اصول مرحله در قانون اساسی، باعث هرج و مرج، تفرقه‌صوف مبارزان راستین ضد امریالیست و باعث خوشحالی ضد انقلابیون و کودتاجیان منتظر فرصت خواهد شد.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و مقامات مسئول در استان گیلان و شهرستان رشت می‌رسیم: با اینکه آقای موسوی اردبیلی دادستان کل کشور اعلام کرده‌اند: «اگر افرادی به این کار گناه دهند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت»، چگونه باز عمدهای میتوانند بدون تعقیب قانونی، بخود اجازه دهند که ساختمان یک سازمان ملی، قانونی و در خط انقلاب را اینچنین تخریب کنند و آنرا باشغال خود درآوردند؟ چرا جلوی اعمال خرابکارانه و ضد انقلابی این افراد گرفته نمیشود؟ سازمان جوانان توده ایران باستاد نشریات و اعلامیه‌های خود، بشائبه یکرازشایسته‌ترین سازمان‌های پیشاز جوانان ایران - چه قبل و چه بعد از انقلاب شکوهمند مردم ایران - همواره نقش انقلابی، دشمن - برانداز و سازنده خود را، در پشتیبانی از خط قطع و سازش‌ناپذیری امام خفنی ایفا کرده‌است. بمعینده ما حمله به دفتر سازمان ماه حمله به دفتر یکی از رزمنده‌ترین گردانهای مبارز ضد امریالیست است، و نتیجتاً عملی است - آگاهانه یا ناآگاهانه - به‌نفع امریالیسم جهانی، بسرگردگی امریالیسم آمریکا، و ایادی مزدور داخلی آن، که در شرایط حساس کنونی با تمام توان امریالیستی خویش، گسترده‌ترین توطئه‌ها را یکی پس از دیگری، علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان میدهند.

براین اساس، سازمان جوانان توده ایران - رشت شدیداً اعتراض خویش را نسبت به این یورش وحشیانه اعلام میدارد و علیه این اقدامات اعلام جرم میکند و از مقامات جمهوری اسلامی ایران و مسئولین امر در استان گیلان میطلبد که نسبت به دستگیری و مجازات عوامل این یورش و نسبت به استرداد دفتر سازمان ما در رشت و اموال موجود در آن هرچه سریعتر اقدام کنند.

مردم مبارز رشت، جوانان و دانش‌آموزان انقلابی! در این شرایط حساس و سرنوشت‌ساز، که انقلاب در معرض خطر جدی امریالیسم و عمار داخلی آن قرار دارد، ضرورت حفظ هوشیاری، خونریزی و اتحاد همه نیروهای مترقی و ضد امریالیست در جهت حفظ و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران و دستاوردهای آن امری حیاتی است. بکوشیم تا با تحکیم اتحاد خود دسیسه‌های امریالیسم و ضد انقلاب را در جهت ایجاد تفرقه، تشنج و درگیری نقش بر آب سازیم.

سازمان جوانان توده ایران - رشت ۱۹ شهریور ۵۹

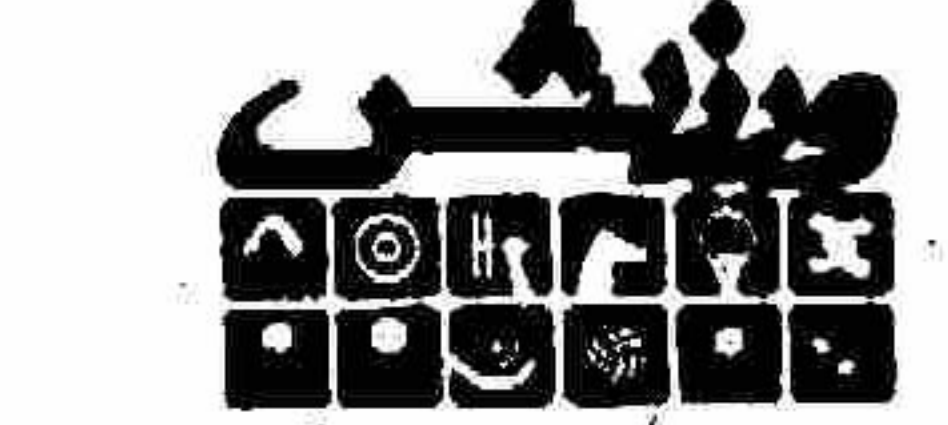
تیم ملی ژیمناستیک برای اعزام به ارمنستان انتخاب شد

سابقه‌های انتخابی تیم ملی ژیمناستیک جهت اعزام به ارمنستان شوروی پایان یافت. در پایان این رقابتها، که بین دوازده تن انجام شد، شش ژیمناست برای عضویت در تیم ملی انتخاب شدند که عبارتند از جواد خرمندی، حسن محمدقلی، امیر رحیمی امشهبانی، اسمعیل خرمندی، منصور راضی‌نژاد و جعفر درویش‌زاده.

این عده به همراه یک مربی، یک سرپرست و دو داور روز ۲۵ شهریور عازم ارمنستان شوروی خواهند شد.

آغاز مسابقات قهرمانی دو و میدانی ایران

مسابقات قهرمانی دو و میدانی ایران از روز چهارشنبه ۱۹ شهریور ماه بمدت ۴ روز در تهران برگزار خواهد شد.



تیم والیبال جوانان ایران در مسابقات قهرمانی آسیا

فدراسیون والیبال ایران اعلام کرد که با موافقت وزارت امور خارجه سازمان تربیت‌بدنی ایران، تیم والیبال جوانان ایران برای شرکت در مسابقات قهرمانی جوانان آسیا، که از روز ۲۶ مه‌ماه در سئول برگزار خواهد شد، عازم این کشور میشود.

مسابقات قهرمانی معلولین

از روز ۲۰ شهریور ماه، اولین دوره مسابقات قهرمانی کشور (معلولین) در رشته‌های بسکتبال، والیبال، ایستاده و نشسته، شنا، وزنه‌برداری، دوومیدانی، شطرنج، قتیس روی‌میز و یلچرانی (مستدلی چرخ‌دار) بسا شرکت شهبان‌نمای تبریز، کرمانشاه، شیراز، اصفهان، تهران و همدان آغاز خواهد شد. این مسابقات تا روز ۲۲ شهریور ادامه خواهد یافت.

شیوه‌های عمل امپریالیسم امریکا...

بقیه از صفحه ۱

بمقتضای سولویان حفظ ارترو انتقال آن به دولت‌بازرگان امکان میدهد که دولت بازرگان، هنگامیکه شرکای میانه بتواند به سرعت و بکوتاهی موثر کنترل اوضاع را بصمت گیرد. و اگر تحول اوضاع چنان شد که این «کنترل» از دست رفت، آنگاه کودتا کند.

«خط عقیم کردن انقلاب و خط سرکوب انقلاب بوسیله کودتا» بعد از پیروزی انقلابین ادامه یافت. «خط عقیم کردن انقلاب» زیر عنوان «چون وابسته بودیم بناچار باید وابسته‌مانیم» بعد از انقلاب، در دوران دولت موقت، بنام «خط گام به گام» معروف شد. این «خط» عقیم کردن انقلاب را از محتوای ضدامپریالیستی و خلیقی آن تهی سازد. مناسبات امریکا با ایران را که مناسبات نظامی با مظلوم بود اساساً با اندک تعدیلی حفظ کند، سرمایه داری بزرگ را وابسته و زمین داری بزرگ را که دویا به اجتناب از اقتصادی سلطه امپریالیسم به سرکردگی امریکا در ایران بودند، از زیر ضربات کوبنده انقلاب نجات دهند، دستگاه دولتی از جمله و بویژه ارتش را از پاکسازی و نوسازی انقلابی محفوظ دارد، حتی ضدانقلاب و کارمندان ساواک را زیر عنوان جلوگیری از «انتقام‌جویی» از زیر ضربات کفر انقلابی برهاند.

«خط گام به گام»، چنانکه میدانیم، در تضاد با «خط امام»، خط تمیق انقلابی ضدامپریالیستی و خلیقی، خط قطع کامل وابستگی و تأمین استقلال همجانبه کشور، خط نوسازی اقتصادی اجتنابی ایران بود مستقیم قرار گرفت. آنکه فریاد برآورد «آقا هم که ما شاء الله ما را کلاه کرده‌است» و علناً بانکدزد که همه‌ساز انقلاب بهار ما غلط کردیم که انقلاب کردیم».

مذاکراتی که در الجزایر بین آقای بازرگان بهرامی آقایان چمران و یزدی با سرزنشکی صورت گرفت و متأسفانه هنوز چگونگی آن به اطلاع مردم ایران نرسید اوج تلاش «خط گام» به گام بود. بدینال آن، این خطه شکست خورد ولی تسلیم نشد. خط عقیم کردن و مسخ انقلاب ایران هنوز هم در تلاش و تکاپو است و قلب‌زادها معرف تام و

ولی «خط» امریکا که هدفش با توسل به دو شیوه عمل در هم شکستن انقلاب ایران است خطی است که چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد از آن، چه در حال کنونی و چه برای آینده، عوامل را در محاسبه نگرفته و نمیتواند بگیرد. یکی از این دو عامل، که عمده‌ترین عامل تعیین کننده است، نیروی انقلابی خلق میباشند است. و عامل دیگر تناسب نیروها در عرصه بین‌المللی است. امپریالیسم در ویتنام هم نتوانست این دو عامل و قدرت عمل آنها را محاسبه کند، در کوبا هم نتوانست، در یم جنوبی (عدن) هم نتوانست، در هیچ‌کجای دیگر نتوانست است و اصولاً نمیتواند این دو عامل را بصباب آورد. این از خصوصیات امپریالیسم است.

انقلاب ایران، علی‌رغم تلاش امریکا برای عقیم کردن و مسخ آن و علیرغم همه‌نوع توطئه برای سرکوب خونین آن، به نیروی توده‌های میلیونی که فداکارانه و جان‌فازانه میباشند، در شرایط بین‌المللی کنونی که امپریالیسم بین‌المللی دیگر نه فقط قدر قدرت نیست بلکه قدرتی همواره تحلیل میرود پیروز خواهد شد و به پیروزی نهایی خواهد رسید.

پیشنهاد ما برای...

بقیه از صفحه ۱

ستون پنجم امریکا شایه پخت میکند که حزب توده ایران سلسله جنبان حوادث کردستان است و افرادی در دام این کذابان بروجدان می‌افتند.

کسانی که در این دامها گرفتار میشوند از یاد می‌برند که یگانه نیروی سیاسی که از همان آغاز برای خنثی کردن نقشه‌های امپریالیسم در کردستان با تمام امکانات خود کوشیده و باز هم میکوشد حزب توده ایران است.

توده‌ایها در کردستان یگانه کسانی بودند که در جوی که ضد انقلاب و عمل امپریالیسم در کردستان ایجاد کرده بودند و در دیوار شورها بر از شعارهای ضدانقلابی، علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب بود، در میان محاصره آتش و باروت و تهدید و مسلحانه ضدانقلاب بزرگترین خطر هارا بجان خریدند و برای بار اول در کردستان در جلسات و گردهمانها آشکار و پنهان به هراران نفر از مردم کردستان گفتند که ای مردم، راهی که شما را در آن انداخته‌اند گمراهی است، از آن برگزید و دست بدمت جمهوری اسلامی ایران بدهید. اینگونه افراد صفحات نامه «مردم» را نادیده میکشند که اولین روزنامه‌ایست که بر اساس اسناد و مدارک و رویدادهای شخصی و اطلاعات دقیق پرده از گرومک‌های ضد انقلابی در کردستان، عناصر خود فروخته ضدانقلابی در هر دوسو، صیبه هی حکومت یعنی عراق در کردستان ضد انقلابی قرار گرفته‌اند که در عراق و دیگران برداشته و آنها را به جامعه ما و قبل از همه به مقامات مسئول کشور معرفی نمود. حزب توده ایران یگانه سازمان سیاسی کشور است که بر پایه درک واقعیات و منافع انقلاب طرح عملی حل مسئله کردستان را پی‌ریزی و بدولت ارائه نمود.

آنها تکیه میکوشند میان حزب توده ایران و رهبری کنونی حزب دمکرات کردستان ایران يك وجه تشابه و یا قرابت کشف کنند باید افلا فکر می‌کردند که میان دو سازمانی که در این مرحله انقلاب شمارها و عملکردهاشان متضاد با همدیگر است چه قرابت و وجه تشابه می‌تواند وجود داشته باشد. آری، حزب دمکرات کردستان در سال ۱۳۲۴ بر اساس انقلابی و روشنی تأسیس شد. ما المپیمان داریم که قاضی محمد شهید رهبر و بنیانگذار حزب دمکرات کردستان اگر امروز زنده می‌بود دست در دست امام خمینی می‌نهاد و حزب دمکرات به پشتیبانی صدیق جمهوری اسلامی ایران مبدل میشد، اگر حزب دمکرات کردستان اصالت اولیه خود را حفظ میکرد و راه روشن و انقلابی قاضی محمد را می‌پیمود این فجاجع بسر کردستان نمی‌آمد و کردستان به مشاء مخصه و دردمر برای جمهوری اسلامی ایران مبدل نمیشد.

اگر سیاست و روش رهبری کنونی حزب دمکرات کردستان کمترین وجه تشابه و قرابتی با حزب توده ایران مبدل شد راه حزب ما را می‌رفت و در صفدمافان جمهوری اسلامی ایران قرار میگرفت.

ولی متأسفانه چنین نشد. دساتن امپریالیسم و عمل ضد انقلاب که در هر دو سو عمل می‌کردند و میکنند، يك سازمان اسیل را به همالکی کومل‌شسته سبلا تبدیل نمود و بالاخره کار بدانجا کشید که دمکرات‌های اسیل و وفادار به سنن و راه حزب خود، بنام فیروان کنگره چهارم حساب خود را از ضدانقلاب جدا کردند

و دست قهاهم و اتحاد بسوی جمهوری اسلامی ایران دراز نمودند و اعمال و توطئه‌های ضد انقلاب را اقتضا ساختند.

منظور از نوشتن این مطالب، آن نیست که مسائل عیان را باز دیگر بیان کنیم. بلکه اینست که همگان را متوجه سازیم که قبل از قضاوت و تصمیم‌گیری باید به کینه مطلب برسیم و حقیقت‌ها را درک نماییم و فقط در اینصورت است که همه قضاوتها و اعمال ما درست خواهد بود. چنین سوزانی را که جنگ کردستان نام دارد سیاست امپریالیسم امریکا و ستون پنجم آن بوجود آورده‌است و لاغیر. این جنبه‌ها خواست خلق کرد است و نه سیاست جمهوری اسرمی ایران. قریب ۲۰ ماه است، یعنی از همان فردای انقلاب، که در این سرزمین غارت شده و یلادیده خون ریخته میشود خون پیشمرگ، پادشاه، سرباز، سنی، شیعه، کرده، ترک، فارس و غیره. ویرانی شهرها، خرابی دهات، رکود کشاورزی، اختلال بازار و سرریز همه اینها ختم و کین و وحشت، یگانه‌نمره این جنگ تحمیلی برادر کسی بوده‌است. دوستی و برادری که یکی از ارکان تین حفظ وحدت و استقلال ایران است صدمات فراوانی دیده است. چنین‌راکه امپریالیسم امریکا در کردستان برافروخته است باید خاتوش کرد و آرامش و صلح و صفا را در کردستان برقرار نمود.

برای رسیدن به این هدف باید خود را از اسارت تلقینات و افسونگریهای عمل آشکار و پنهان ستون پنجم امریکا رها ساخت. باید از زمین محکم واقعیت و عزیمت نمود تا بسرمئزل توفیق و کامیابی رسید. واقعیت بی‌چون و چرا اینست که در کردستان از طرفی موجودیت خلق کرد و خواستهای مشروع، حقه و قانونی او مطرح است و از طرف دیگر توطئه‌های خونین ستون پنجم امریکا که این واقعیت را به آلت اجرای سیاست شیطنی خود مبدل کرده است. باید با اجرای خواستهای مشروع خلق کرد بزرگترین و یگانه زمینه سوء استفاده را در کردستان از دست ستون پنجم امریکا بدر آورد.

خواستهای مشروع خلق کرد از جانب جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. پیام تاریخی امام خمینی مورخ ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سخنان اخیر امام خمینی خطاب به روحانیون کردستان که بدیدار امام آمده بودند، مبنای حقوقی و سیاسی پذیرش خواستهای مشروع خلق کرد است.

ما پیشنهاد می‌کنیم: اکنون که همه نهادهای قانونی رژیم جمهوری اسلامی ایران بوجود آمده و مستقر گردیده است، بر مبنای پیام تاریخی امام خمینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اسرع وقت طرحی یا قانونی در زمینه تأمین و اجرای خواستهای مشروع خلق کرد تهیه و اعلام گردد. اعلام چنین سندی ضد انقلاب را در کردستان خلع سلاح خواهد نمود و به نیروهای صدیق کردستان قوت و پروبال خواهد داد و نتیجتاً راه را برای پیروزی انقلاب در کردستان خواهد گشود. تذکر مطلبی را هم ضرور می‌شمریم و آن اینکه حتی که باید بخلق کرد داده شود فقط و فقط به خلق کرد اختصاص خواهد داشت و نه به هیچ حزب و گروه سیاسی و یا سازمان و جمعیتی حزب توده ایران در حل مسئله کردستان جز سود و خیر و مصلحت انقلاب شکوهمند ایران هیچ توقع و تمنای خاصی برای خود ندارد و متوقع آن نیست که در کردستان حتی يك دست‌دهار

آنها که دست دوستان راستین خارجی ایران را پس زدند!

شورای انقلاب اصرار داشت ایران با نهضت های رهائی بخش و کشورهای سوریه، لیبی و الجزایر روابط داشته باشد و دولت موقت کار را به تأخیر می‌انداخت

«در این مورد (سیاست خارجی) شورای انقلاب اصرار داشت با نهضت‌های آزادیبخش و کشورهای اسلامی چون الجزایر، سوریه و لیبی روابط خیلی سریعتر باشد. مقاومت در برابر امپریالیسم امریکا و دیگر امپریالیستها شدیدتر و قاطع‌تر باشد»

حجت‌الاسلام باهنر، هنگام ارائه کارنامه شورای انقلاب، با سخنان بالا نشان داد که شورای انقلاب در زمینه سیاست خارجی موافق چه سیاستی بوده است. این سیاست اگر از همان آغاز اعمال میشد، ایران در کنار دوستان انقلابی خود قرار می‌گرفت و می‌توانست هرچه زودتر و دقیقتر دوستان و دشمنان خارجی خود را، که شناختن آنها نقش گرهی در سرنوشت انقلاب ایران دارد، باز بشناسد و از بسیاری از بی‌آمدهای خطرناک بعدی اجتناب کند.

اما نیروهای بودند و هستند که با این سیاست مترقی و کامل بحق شورای انقلاب مخالف بودند و هستند. این نیروها دانسته و ندانسته ایران را از دوستان راستین خود جدا می‌کنند و در راه تکامل و تمیق انقلاب ایران سنگ می‌اندازند.

بوزروازی لیبرال ایران، که در بیکر دولت موقت شکل گرفته بود، در راس نیروهای قرار داشت و دارد که دانسته از شناسائی دوستان واقعی ایران و همکاری با آنها جلوگیری می‌کند. حجت‌الاسلام با هنر هنگام ارائه کارنامه شورای انقلاب درباره سیاست خارجی دولت موقت گفت: «اقدامات دولت در این زمینه خیلی وسیع نبود»

درواقع دولت موقت با دفع الوقت و به تأخیر انداختن ایجاد رابطه با کشورهای مترقی اسلامی، می‌کوشید تا از راه آشتی با امپریالیسم ایران را بار دیگر به‌عمراده امپریالیسم ببندد. وزرای امور خارجه ایران هم از سنجایی و یزدی گرفته تا قلب‌زاده دقیقاً در همین مسیر حرکت می‌کردند. درست بیمنی خاطر بود که وزارت خارجه ایران نه تنها دست دوستی لیبی، الجزایر، یمن دمکراتیک، سوریه و حتی فلسطین را پس زد، بلکه میرز میبایست قلب‌زاده کوشید تا با اتحاد با ترکیه و

پاکستان بار دیگر میمان امپریالیستی ستون را احیاء کند. اکنون نزدیک به دوسال گرافیکیت از دست رفته است، اما هنوز دیر نیست، اگر از تجربه پند گرفته شود، ایران انقلابی، باید بدون درنگ در کنار دوستان واقعی انقلاب ایران قرار بگیرد. خوشبختانه اتحاد ضدامپریالیستی دو کشور مسلمان لیبی و سوریه و استقبال مقامات مشول کشور از جمله نخست‌وزیر و تهریک مجلس شورای اسلامی به این مناسبت نشان‌میدهد که ایران انقلابی آماده فتردن دست دوستان راستین انقلاب ایران است. از آنسو هم مراجعه پیامی کشورهای عضو جبهه پایداری به مقامات مشول ایران نشان میدهد که همه چیز برای شناسائی دوست و همکاری با دوستان انقلاب ایران فراهم است.

ما امیدواریم، هرچه زودتر، وزیر خارجه جدید ایران که نم‌تواند مخالف این سیاست باشد انتخاب و به کار مشغول شود تا هرچه زودتر زبان‌هایی که میبایست قلب‌زاده به ایران زده است جبران شود.

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه تقلايی است

بمراز حمله‌عناصر فریب‌خورده که در میان آنها عناصر ضد انقلابی نیز خود را جا زده بودند، به‌خانه هواراران حزب در دروازه غار و وارد کردن حدود ۳۰۰۰ تومان خسارت، یک‌را از خانواده‌های محل قلک بچه‌های را به رفقای جوان ما داد. محتوی این قلک ۲۸۰ تومان پول خرد بود. ما از این خانواده خیراندیش مسیانه سپاسگزاریم.

علاقندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام‌تقی که‌مترش‌به‌شماره ۳۳۳۳ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه‌اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

هم به يك توده‌ای سپرده شود. مافقط يك هدف و يك آرزو داریم- آنهم پایان دادن به جنگ-برادر- کتی. نجات‌جمهوری اسلامی ایران از يك ورطه فرساینده‌مخاطره - انگیز و تأمین صلح و آرامش و حق و عدالت برای همه خلقها و اقوام و قبائل ایران است. اگر يك ارتش خارجی کردستان را اشغال کرده بود راه حل مسئله فقط راندن این بیگانه‌به زور نیروی نظامی بود- ولی کردستان مسکن خلقی است که هفتاد جلدش در این خاک مدفون است و خواست حقه و مشروع دارد و انرا نه می‌شود راند و نه می‌شود کار دیگری کرد. با این خلق و هیچ خلق دیگری جز از طریق پذیرفتن و اعلام و اجرای خواستهای برحق وی از هیچ طریق دیگری نمی‌توان و نباید رفتار کرد. حل مسئله کردستان و سرکوب‌شدن انقلاب در کردستان جز از این طریق ممکن نیست و تجربه گذشته این را ثابت کرده‌است. حوادث اسفباری که در کردستان میگذرد ما را بر آن میدارد که با احساس حس مسئولیت برادران و خواهران کرد خود را یار دیگر مورد خطاب قرار دهیم و سرنوشت اسفبار کردستان عراق را بیاد آنها بیآوریم و به آنها بگوئیم که به منتهای بر طوطراق ضدانقلاب‌گوش‌ندیدید و بدانید که اگر خیری و سودی نصیب خلق کرد بشود، فقط از طریق دوستی و همبستگی با جمهوری اسلامی ایران ممکن خواهد شد. با احساس مسئولیت و ابتکار در

نامه مردم
آنگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: متوجه‌بیزاری
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)
NAMEH MARDOM
No. 333
15. September 1980
Price: West-Germany ۰ ۹0 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.